

A dense, repeating floral pattern in gold and white on a dark red background, featuring stylized flowers and scrolling vines. The pattern is symmetrical and fills the entire page around the central text.

حجامت اصیل اسلامی

سید جواد موسوی



فهرست مطالب

بخش اول : بررسی لغات ۹

بخش دوم : اوقات حجامت ۱۹

ملاک اول «اوقات ماه قمری» ۲۱

ملاک دوم «روزهای هفته» ۳۱

شنبه ۳۱

یکشنبه ۳۴

دوشنبه ۳۷

سه‌شنبه ۴۱

چهارشنبه ۴۶

پنج‌شنبه ۵۶

جمعه ۶۱

ملاک سوم: «ماه های رومی» ۶۹

ملاک چهارم : «روزهای ماه فارسی» ۷۶

تکمله بخش دوم: حجامت «تبَّیغ» یا «چیرگی خون» ۸۰

بخش سوم : آداب حجامت ۹۳

آداب قبل از حجامت ۹۴

آداب پس از حجامت ۱۰۳

بخش چهارم : شیوه انجام حجامت اسلامی ۱۱۷

ابزار حجامت ۱۲۰

نحوه انجام حجامت اسلامی ۱۳۶

الگوی حجامت اسلامی برای حجامتگران ۱۴۰

اوقات حجامت ۱۴۰

آداب قبل حجامت ۱۴۲

ابزار حجامت برای حجامتگر ۱۴۳

شیوه انجام حجامت ۱۴۴

آداب پس از حجامت ۱۴۶

باتوجه به اینکه شرح اجتهادی و بررسی تک تک کلمات روایات مربوطه باعث طولانی شدن مطلب می‌شود لذا سعی مان در اینست تا حتی الامکان از آوردن روایات پرهیزیم و فقط به مقداری که لازم است به آن اکتفا کنیم از طرفی چون باید برای ادعاهای خود ادله قوی و محکم ارائه دهیم لذا مجبوریم به اندازه نیاز عین واژه ها و متون عربی روایات و کتب لغات را ذکر کنیم.

کل مبحث حجامت را در چهار بخش ارائه خواهیم داد:

بخش اول: بررسی لغوی واژه حجامت و لغات مربوطه

بخش دوم: اوقات حجامت

بخش سوم: آداب قبل و بعد حجامت

بخش چهارم: نحوه انجام دقیق حجامت اسلامی و توضیح و تفصیل ابزار حجامت

بخش اول :

بررسی لغات

آنچه ملاک است، قول لغویون زمان معصومین یا نزدیک به زمان آنها، درباره لغات فصیح عربی است که ائمه علیهم السلام از آن استفاده میکردند. باید بدانیم معانی دقیق لغاتی که در کلام ائمه به کار رفته دقیقاً چیست. که همین کار بخش عظیمی از مجهولات ما را برطرف می‌کند لکن کار بسیار سختی است که از آن تعبیر به «تتبع اصطلاحات» می‌شود.

واژه اول: «حَجَمَ»

«حجم» که شامل سه حرف اصلی واژه «حجامت» هست در معتبرترین کتب لغت به معانی زیر آمده:

(الف) مجمع البحرين صفحه ۱۴۳۴:

- ۱) حَجَمُ الشَّيْءِ: قدره (حجم چیزی یعنی اندازه آن)
- ۲) حَجَمَهُ يَحْجُمُهُ مِنْ بَابِ قَتْلٍ: شرطه... اسم صناعة: حجامه (او را حجم کرد یعنی تیغ زد... نام حرفه: حجامت)

(ب) لسان العرب صفحات مختلف:

- ۱) الإِحْجَامُ الْمَرْأَةُ الْمَوْلُودَ: أَوَّلُ إِرْضَاعَةٍ تُرْضِعُهُ وَقد أَحْجَمْتُ لَهُ (حجم کردن زن برای فرزندش یعنی: لحظه اول شیر دادنش که او را شیر می‌دهد و سینه اش را (با دست) برای او حجیم می‌کند)
- ۲) حَجَمُ الْعِظَمِ يَحْجُمُهُ حَجْمًا: عَرَفَهُ (استخوان را حجم کرد یعنی گوشت روی آن را خورد)

(۳) الْحَجْمُ: الْمَصَّ. يقال: حَجَمُ الصَّبِيِّ ثَدْيَ أُمِّهِ إِذَا مَصَّه وَ ثَدْيٌ مَحْجُومٌ أَي مَمْصُوعٌ وَ الْحَجَّامُ: الْمَصَّاصُ (حجم یعنی مکیدن. گفته می‌شود که کودک پستان مادرش را حَجْم کرد یعنی آن را (برای شیر خوردن) مکید. و پستان محجوم یعنی مکیده شده (توسط کودک) و حَجَّام یعنی شخص مکنده)

(۴) قال الأزهري: يقال للحاجم حَجَّامٌ لِإِتِّصَافِهِ بِمِ الْحِجْمَةِ (به حجّامت کننده «حَجَّام» میگویند به خاطر مکیدنش دهانه‌ی لیوان حجّامت را)

(۵) اَصْلُ الْحَجْمِ الْمَصُّ (ریشه لغت «حَجْم» یعنی مکیدن)

(۶) قال ابن دريد: الحِجَامَةُ مِنَ الْحَجْمِ الَّذِي هُوَ الْبَدَاءُ لِأَنَّ اللَّحْمَ يَنْتَبِرُ أَي يَرْتَفِعُ (واژه حجّامت از ماده «حَجْم» همان آشکار شدن است زیرا که گوشت باد می‌کند یعنی بالا می‌آید)

در باقی کتب لغت چیز به درد بخوری درباره واژه حجّامت و اصل و ریشه آن نیامده است.

نتیجه گیری و جمع بندی:

باتوجه به عبارات، اصل معنی لغوی حجّامت همان «مکش» است که با دهان انجام می‌شود. زمانی که کودک پستان مادرش را برای شیرخوردن می‌مکد، عرب فصیح میگوید «آن را حَجْم کرد» یعنی آن را مکید. و وجه تسمیه‌ی فعل درمانی حجّامت نیز، همین فعل مکش و «مَصَّ» است زیرا که کار حَجَّام مانند کار کودک است زمانی که با دهانش به کمک لیوان حجّامت گوشت موضع را می‌مکد.

واژه دوم «مَحْجَم»

این واژه بر وزن مِفْعَل در زبان عرب به معنی ابزار و آلت فعلِ حجامت است که در کتب معتبر لغت به معانی زیر آمده:

الف) النهایة ابن اثیر:

۱) المَحْجَم: الآلة التي يجتمع فيها الدَّمُ الحجامَة عند المَصِّ (آلتی است که

هنگام مکش، خون حجامت در آن جمع می شود)

۲) و المَحْجَم ايضا مِشْرَطُ الحِجَامِ و منه الحديث:....شرطة محجم (همچنین

«محجم» به معنی آلت تیغ زدن (بریدن) توسط حجام هم هست (چیزی

مانند دسته تیغ اصلاح) و از این معنی حدیث آمده:....بریدن مَحْجَم)

۳) منه الحديث: إنه إحتجم علي رأسه بقرن حين طبَّ اي لما سحر. و هو اسم

موضع فاما هو الميقات أو غيره و قيل: هو قرن ثور جعل كالمحجمة (از این

معنی است این حدیث: «همانا او زمانی که سحر شده بود روی سرش در

قَرْن (یا با قَرْن) حجامت کرد». و آن (یعنی قرن) اسم منطقه ای است پس

یا میقات است یا غیر آن. و گفته شده: آن شاخ گاو است که همانند محجمه

قرار داده شده)

ب) لسان العرب:

۱) المَحْجَم و المَحْجَمَة: ما يُحْجَمُ به (مَحْجَم و محجمه آنچیزی است که به سبب

آن مکش انجام می شود)

۲) قال الأزهری: المَحْجَمَة قارورته و تطرح الهاء فيقال المحجم و جَمْعُهُ المَحَاجِمُ

(محجمه ظرف مکش است و گاهی حرف «ة» از آن می افتد و گفته می شود

«محجم» که جمع آن «محاجم» است)

نتیجه گیری و جمع بندی:

مِحْجَم - با کسر میم - همان لیوان امروزی حجامت است. که هم قبل از تیغ زدن آن را روی موضع حجامت قرار می دهند و به سبب آن مکش می کنند و هم بعد از تیغ زدن که خون در آن جمع می شود. نکته مهم اینست که باتوجه به شواهد تاریخی با اینکه در زمان های بسیار قدیم حتی قبل از اسلام از «شاخ گاو» به عنوان ابزار حجامت و آلت اجتماع خون و وسیله ای برای مکش گوشت و پوست موضع حجامت استفاده می کردند، اما نه تنها در هیچ یک از روایات بلکه حتی در هیچ یک از کتب لغت معتبر زبان عرب هم، هیچ اثری از استفاده از شاخ گاو به عنوان ابزار حجامت وجود ندارد به جز یک عبارت که همان عبارت سوم از کتاب «النهاية ابن اثیر» است که ذکر شد که آن هم طبق قول قوی تر، «قرن» نام یک محلی است که ظاهراً نام دیگر منطقه میقات باشد. و برخی نیز گفته اند که به معنی شاخ گاو است که باید دقت کرد که حتی همین عده ی قلیل هم معترفند که اگر به معنی شاخ گاو هم باشد تازه آن را چیزی مانند «مِحْجَمه» به حساب می آورند نه خود مِحْجَمه. یعنی اگر بخواهیم حتی قول ضعیف را هم بپذیریم تازه باید بگوییم که اصل «مِحْجَمه» چیز دیگری است و شاخ گاو را عده ای به جای «مِحْجَمه» استفاده می کنند و آن را مانند «مِحْجَمه» قرار می دهند (هو قرن ثور جعل کالمِحْجَمه). بنابراین باتوجه به شواهد روایی و لغات مربوطه استفاده از شاخ گاو به عنوان ابزار حجامت و وسیله مکش و ریخته شدن خون، اصلاً رایج نبوده و ائمه علیهم السلام هم هرگز از شاخ گاو برای حجامت استفاده نمی کردند. بلکه عبارت دوم از کتاب «لسان العرب» که قول ازهری است نشان میدهد که از «قاروره» برای این کار استفاده می کردند. و قاروره ظرفی است که در آن نوشیدنی ها را نگه میدارند. که ظاهراً برای حجامت کف آن را می بریدند. البته محتمل است که همانگونه که برای ریختن نوشیدنیها قاروره میساختند به همان شکل برای ریختن خون حجامت هم یک قاروره ای جدا میساختند که کف آن باز است و روی پوست و موضع حجامت قرار می گیرد. بنابراین استفاده از شاخ گاو توسط معصومین علیهم السلام در حجامتها به کل منتفی است حتی باتوجه به کتب لغت احتمال استفاده از

آن توسط اعراب زمان معصومین هم کم است و حتی قرینه بر خلاف آن نیز موجود است (همان قاروره). البته دو روایت نیز داریم که نشان می‌دهد خود معصومین از کاسه و ظرف برای مکش حجامت استفاده مینمودند و لیوان های مخصوصی برای مکش داشتند که در بخش های بعدی به آن می‌پردازیم.



«قاروره»

واژه سوم «مَحْجَم»

اسم مکان بر وزن مَفْعَل است یعنی مکان حجامت:

الف) مجمع البحرين:

۱) المَحْجَمُ كَجَعْفَرٍ: موضع الحجامة (مَحْجَمٌ بر وزن جَعْفَرٍ موضع حجامت است)

ب) لسان العرب:

۱) و المَحْجَمَةُ مِنَ الْعُنُقِ: موضع المَحْجَمَةِ (مَحْجَمُهُ از گردن همان محل گذاشتن لیوان حجامت (در گردن) است)

۲) و الملاحج: المضایق و الملاحيج: الطرق الضيقة في الجبال و ربما سميت المحاجم الملاحج («ملاحج» یعنی تنگناها و «ملاحيج» یعنی راه های باریک داخل کوه و چه بسا «ملاحج» را «محاجم» بنامند (زیرا که یکی از معانی الحجم یعنی «کف عن امر یریده» و راه های باریک انسان را از راحت راه رفتن باز میدارد))

جمع بندی و نتیجه گیری:

لفظ «مَحاجِم» جمع است و مفرد آن هم میتواند «مِحْجَم» اسم آلت به معنی لیوان حجامت باشد که در معنی جمع آن یعنی محاجم به معنی «لیوانهای حجامت» به کار گرفته شود و هم میتواند مفرد آن «مَحْجَم» اسم مکان به معنی محل حجامت باشد که در معنی جمع آن یعنی محاجم به معنی «محل های حجامت و مکش» استعمال شود. باید با قرینه های لفظی و معنوی کلام فهمید که وقتی در احادیث از واژه «محاجم» استفاده شده دقیقاً جمع کدام یک از دو واژه «مِحْجَم» یا «مَحْجَم» است. البته با توجه به عبارت دوم از کتاب لسان العرب ممکن است «محاجم» به معنی «راه های باریک جاده» نیز بیاید که قطعاً در روایات مربوط به حجامت که موضوع آن طب است هرگز نیامده. پس از بررسی لغات به بررسی روایات مربوطه می پردازیم.

در این بخش فقط به بررسی لغوی واژه «حجامت» و هم خانواده های آن پرداختیم. در بخش های بعدی متناسب با هر موضوع به خصوص در حین بررسی روایات، لغات مربوطه را نیز بررسی می کنیم.

بخش دوم :

اوقات حجامت

صحبت در این بخش بسیار مفصل است لذا به جهت اختصار نظر نهایی مان را ارائه می‌دهیم و از بررسی احتمالات مربوط به روایات وارده خودداری می‌کنیم.

باتوجه به روایت تثلیث معروف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: «بیماری سه تا و درمان هم سه تا است و... درمان دم، حجامت است» و باتوجه به مجموع روایات مربوطه نتیجه می‌شود که سبب اصلی در حجامت، غلبه خون و دم است. لذا باید روایات مربوط به اوقات حجامت را با در نظر گرفتن این اصل بررسی کرد.

ملاک اول «اوقات ماه قمری»

۱- روایت مربوط به رساله ذهبیه امام رضا علیه السلام که می فرماید:

«فَإِذَا أُرِدْتَ الْحِجَامَةَ فَلْيَكُنْ فِي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مِنَ الْهِلَالِ إِلَى خَمْسَ عَشْرَةَ فَإِنَّهُ أَصَحُّ لِبَدْنِكَ فَإِذَا انْقَضَى الشَّهْرُ فَلَا تَحْتَجِمُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ مُضْطَرًّا إِلَى ذَلِكَ وَهُوَ لِأَنَّ الدَّمَ يَنْقُصُ فِي نَقْصَانِ الْهِلَالِ وَيزِيدُ فِي زِيَادَتِهِ»^۱

«پس هرگاه خواستی حجامت کنی پس باید در گذر دوازده شب تا پانزده شب از هلال ماه باشد پس به درستی که اینچنین، برای بدنت سالم کننده تر است. پس چنانچه ماه (از قرص کامل آن) گذشت پس حجامت نکن مگر اینکه ناچار به انجام آن باشی و این به خاطر آنست که همانا خون با کم شدن هلال ماه، کم می شود و با زیاد شدن آن زیاد می شود»

شرح عبارت:

همانطور که گفته شد علت توصیه امام علیه السلام به انجام حجامت در دوازدهم تا پانزدهم ماه قمری همین قضیه ی افزایش و غلبه خون است تا جایی که می فرماید پس از پانزدهم ماه حجامت نکن مگر اینکه ناچار شوی که همین حرف نشان دهنده اینست که اضطرار به انجام

^۱ بحارالانوار، جلد ۵۹، ص ۳۱۸

حجامت یعنی همان زیاد شدن خون و غلبه دم. زیرا که بدنی که دچار غلبه دم است در نقصان هلال ماه، مانند بدن عادی در هنگام کامل بودن هلال ماه یعنی در پانزدهم قمری است لذا هدف اصلی از انجام حجامت که درمان غلبه دم و خروج مواد زائد خون از مویرگهاست، در این حالت صورت میپذیرد. زیرا که با زیاد شدن فشار خون، مویرگهای حجامت هم آلودگی های بیشتری به خود میگیرند که با برش و خراش خوردن توسط تیغ این مواد زائد خارج می شود. بنابراین افزایش فشار و حجم خون قبل از حجامت، موجب این می شود که مواد زائد بیشتری از بدن خارج شود و به همین دلیل امام علیه السلام می فرمایند «فَإِنَّهُ أَصْحُ لِبَدَنِكَ» یعنی این برای بدن تو سالم کننده تر است.

۲- روایتی از پیغمبر صلی الله علیه و آله که می فرمایند:

«اَحْتَجِمُوا لِخَمْسَ عَشْرَةَ وَ سَبْعَ عَشْرَةَ وَ اِحْدَى وَ عِشْرِينَ لَا يَتَّبِعُ بِكُمْ الدَّمُ فَيَقْتُلَكُمْ»^۱

«برای پانزدهم، هفدهم و بیست و یکم حجامت کنید تا خون بر شما طغیان نکند که شما را بکشد»

شرح عبارت:

امر به حجامت در روز پانزدهم قمری کاملاً مطابق با فرمایش امام رضا علیه السلام هست و روز پانزده قمری برای همه، جهت حجامت توصیه می شود اما امر به هفدهم و بیست و یکم

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۵

در حالت عادی با نهی امام رضا علیه السلام در روایت پیشین تعارض دارد که راه حل این تعارض قرینه ایست که در آخر همین حدیث آمده مبنی بر این تأویل که «اگر مستعد هیجان و طغیان خون هستید حتما در پانزدهم قمری حجامت کنید و اگر نکردید در هفدهم و باز اگر انجام ندادید نهایتا در بیست و یکم حتما حجامت کنید تا غلبه خون شما را نکشد». بنابراین این توصیه یک توصیه عمومی نیست بلکه فقط در شرایطی که انسان از غلبه شدید خون میترسد باید در این اوقات حجامت کند. البته معلوم نیست مخاطب پیامبر صلی الله علیه و آله دقیقا چه کسانی هستند و از طرفی چون روایت مربوط به انجام حجامت «پیشگیری» است لذا ممکن است مخاطبین پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی بوده باشند که تا به حال در عمرشان حجامت نکرده اند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آنها می فرماید که به ترتیب در پانزدهم یا هفدهم یا بیست و یکم ماه حجامت کنید تا از غلبه خون کشته نشوید.

۳- روایتی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :

«الْحِجَامَةُ فِي سَبْعٍ وَعَشْرٍ مِنَ الشَّهْرِ شِفَاءٌ»^۱

«حجامت در هفدهم از ماه، شفا است»

شرح عبارت:

باتوجه به اینکه هفدهم ماه قمری تنها پس از گذر دو روز از آغاز نقصان هلال است لذا محتمل است که پیامبر صلی الله علیه و آله به کسی که حجامت دوازده تا پانزده قمری را از دست داده ولی

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۴ - مستدرک الوسائل، جلد ۱۳، ص ۸۴

می‌خواست حجامت کند می‌فرمایند که «حجامت روز هفدهم هم شفاست و مرض نیست» نه اینکه این یک توصیه عمومی باشد. از طرفی اطلاق روایت را نمیتوان نادیده گرفت اما چون با نهی امام رضا علیه السلام در تعارض است و رساله ذهبیه هم از نظر سندی بسیار قوی تر از این حدیث است لذا یا باید این حدیث را کنار بگذاریم و یا طبق همین احتمالی که گفته شد پیش برویم و به عنوان یک توصیه عمومی از آن استفاده نکنیم.

۴- روایت امام صادق علیه السلام که فرمودند:

«مَنْ احْتَجَمَ فِي آخِرِ خَمِيسٍ مِنَ الشَّهْرِ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ سَلَّ عَنْهُ
الدَّاءَ سَلًّا»^۱

«هرکس در آخرین پنج شنبه از ماه (قمری) در آغاز روز حجامت کند
بیماری به کلی از او بیرون میریزد»

شرح عبارت:

آخرین پنج شنبه هر ماه قمری زودتر از بیست و دوم آن ماه ممکن نیست آنهم در صورتی که ماه ۲۹ روزه باشد اما اگر ماه ۳۰ روزه باشد آخرین پنج شنبه ماه ممکن است در یکی از روزهای از ۲۳ قمری تا ۳۰ قمری قرار بگیرد و اگر ۲۹ روزه باشد از ۲۲ تا ۲۹ قمری. که در هر دو حالت با نهی امام رضا علیه السلام در تعارض است. از طرفی این روایت اطلاق دارد و فایده عظیمی برای آن برشمرده که نمیتوان از آن صرف نظر کرد. لذا تنها راه حل تعارض اینست که

^۱ الخصال، ص ۳۸۶

بگوییم یا منظور امام آن افرادی بوده که بیماراند و یا اینکه مد نظر امام علیه السلام، پنج شنبه همان ماهی است که در آن قرار داشته است و یا اینکه نهایتاً باید بگوییم که پنج شنبه آخر ماه استثناء است.

از آنجا که در ابتدای مطلبمان گفتیم که اصل حجامت اینست که غلبه دم را درمان کند و مواد زائد خون را که در مویرگهاست بیرون بکشد لذا با در نظر گرفتن این اصل، به هیچ وجه نباید بدون دلیل یا بدون شرایط خاص، قائل بر حجامت در غیر از اوقات زیادی خون شد. یعنی اگر بخواهیم بگوییم در غیر از ۱۲ تا ۱۵ قمری حجامت کن باید حتماً یک شرایط خاصی مد نظر باشد. در روایت دوم که از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شد شرایط خاص، تبیغ خون یعنی فشار و هیجان خون است به حدی که ممکن است موجب مرگ شود. خب این حالت دقیقاً مطابق با همان اصلی است که گفتیم یعنی این اصل که حجامت باید غلبه و زیادی خون و آلودگی آن را درمان کند. اما در این روایت از امام صادق علیه السلام چیزی از شرایط خاص دیده نمی شود مگر انتهای روایت که فرمودند: «سَلَّ عَنْهُ الدَّاءَ سَلًّا» (بیماری به کلی از بدنش بیرون کشیده می شود) همین عبارت نشان میدهد که حجامت پنج شنبه آخر ماه برای انسان بیمار تجویز می شود نه برای توصیه عمومی. یعنی چنانچه اگر بیمار، تا قبل از ۲۲ قمری (که زودترین پنج شنبه آخر ماه در این روز ممکن است قرار بگیرد)، حجامت نکرده باید در آخرین پنج شنبه ماه حجامت کند تا بیماری به کلی از بدنش خارج شود. البته در ادامه خواهیم خواند که اگر تبیغ خون و هیجان خون خیلی شدید بود اصلاً نباید منتظر ایستاد و باید در اسرع وقت در هر شرایطی حجامت کرد بنابراین این روایت از امام صادق علیه السلام مخصوص بیمارانی است که درمانشان حجامت است و تا قبل از ۲۲ قمری حجامت نکردند و آلودگی یا غلبه ی خونی هم به حدی نیست که نتوانند منتظر بایستند بلکه اگر تا آخرین پنج شنبه ماه صبر کنند، با چنین حجامتی بیماری را کاملاً از بین خواهند برد.

۵-روایت پیامبر اکرم ﷺ :

«إِنَّهُ يُسْتَحَبُّ الْحِجَامَةُ فِي تِسْعَةِ عَشَرَ مِنَ الشَّهْرِ وَوَاحِدٍ وَ
عِشْرِينَ»^۱

«همانا حجامت در نوزدهم و بیست و یکم از ماه، مستحب است»

شرح عبارت:

از آنجا که حجامت برای درمان غلبه و زیادی یا آلودگی خون است و طبق روایت امام رضا علیه السلام خون در غیر از ایام ۱۲ تا ۱۵ قمری کم می شود و امام علیه السلام نیز ما را از انجام حجامت در غیر از این ایام نهی فرمودند، لذا برای چنین حجامتی باید شرایط خاصی وجود داشته باشد که خون زیاد می شود مثلاً در فصل خاص یا در ماه رومی خاصی باشد یا اینکه مزاج شخص مستعد تبیغ خون باشد که در این حالت پس از ۱۲ تا ۱۵ قمری باید دید بهترین وقت برای حجامت در چنین شرایطی یا برای چنین اشخاصی کدام است. برای این روایت چند احتمال میتوان به کار برد: یکی اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله همان ماهی که در آن قرار داشت را میگفت. مثلاً ممکن بود پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه حزیران بوده باشد و بگوید حجامت نوزدهم این ماه مستحب است که برابر با هفتم حزیران می شود. یا ممکن است این حدیث در پاسخ به سوال شخصی درباره حجامت خودش باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله با توجه به مزاج آن شخص که در ۱۹ و ۲۱ همان ماه برایش بهترین حالت برای حجامت است فرمودند که در ۱۹ یا ۲۱ این ماه

^۱ بحارالانوار، جلد ۵۹، ص ۳۰۰ - الخصال، ص ۳۸۵

حجامت مستحب است یعنی برای تو مستحب است. از طرفی سند هیچ کدام از این روایات قوی نیست و نمیتواند در برابر روایت صحیح السند و مشهور رساله ذهبیه مقابله کند. بنابراین اصل همان ۱۲ تا ۱۵ قمری است و تمام این روایات دیگری را که معارض با رساله ذهبیه است باید طبق این اصل تطبیق دهیم لذا حجامت ۱۹ یا ۲۱ ماه قمری برای کسی که در ۱۲ تا ۱۵ قمری حجامت نکرده یا بیماری ای از ناحیه دم دارد که نیازمند حجامت زود هنگام است، مستحب است و توصیه می شود. و ما احتمال اول را برمی گزینیم مبنی بر اینکه منظور پیامبر ﷺ همان ماهی بود که در آن قرار داشت چرا که واژه «الشهر» با «ال عهد» آمده پس منظور همان ماه است نه همه ماه های قمری.

۶- روایاتی که دال بر حجامت هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم مقارن با سه شنبه از پیامبر ﷺ نقل شده:

توضیح: باتوجه به تحقیق حضرت استاد آیت الله تبریزیان این روایات از طریق اهل سنت است و با معلومات آنها همخوانی دارد و در حالی است که ائمه علیهم السلام به شدت از حجامت در روز سه شنبه نهی فرمودند و خطرات جدی ای را برای آن گوشزد نمودند. بنابراین هیچ اعتنایی نباید به این دو روایتی که دال بر حجامت در هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه مقارن با سه شنبه است، کرد. چه اینکه فقهای امامیه با استناد به روایتی از امام صادق علیه السلام تمام روایاتی که از طریق اهل سنت وارد شده را بر طبق دستور خود حضرت، بر دیوار می کوبند. (یعنی آن را کاملاً رد کرده و باطل می دانند)

۷-روایتی از امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند ریخته شدن خون در روز بیست و یکم ماه خوب است:

توضیح: درباره بیست و یکم ماه چند روایت وارد شده که باید دقت کرد که هیچ کدام از آنها ما را توصیه به حجامت نمیکنند. بلکه فقط سخن از ریخته شدن خون است و اتفاقاً با واژه «اهراق الدم» و «اراقه الدم» آمده که میتواند امر به قربانی کردن باشد که همین احتمال از باقی احتمالات قوی تر است زیرا که در چند روایت آمده که این روز روز نحسی است و اولین خون، در این روز ریخته شده و حواء برای اولین بار در این روز حیض شد و اینکه فرمودنده اند در این روز به سراغ طلب حاجتتان نروید و اینکه بیمار در این روز بیماری اش بدتر می‌شود و خوب نمی‌شود و ... بنابراین اینکه گفته شده ریخته شدن خون در این روز صلاحیت دارد (يُصْلَحُ فِيهِ إِرَاقَةُ الدَّمَاءِ... يُصْلَحُ فِيهِ إِهْرَاقُ الدَّمِ... يُصْلَحُ لِإِهْرَاقِ الدَّمَاءِ) منظور قربانی کردن است تا بلاهای این روز دفع شود چرا که فرمودنده اند: «إِنَّهُ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ... فَإِنَّهُ رَدِيٌّ مَنْحُوسٌ مَذْمُومٌ... فَهُوَ يَوْمٌ رَدِيٌّ لِسَائِرِ الْأُمُورِ... يَوْمٌ نَحْسٍ وَهُوَ يَوْمٌ إِرَاقَةُ الدَّمِ فَلَا تَطْلُبُ فِيهِ حَاجَةً... يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ... يَوْمٌ نَحْسٍ مَذْمُومٌ...» (ترجمه: همانا این روز روز نحس پایدار است (یعنی بد بیاری پشت بد بیاری)... پس همانا این روز پست و شوم و نکوهیده است... پس این روز روز پستی است برای دیگر کارها... روز شومی است ولی روز ریخته شدن خون است و در این روز طلب حاجت نکن... روز شوم پایدار است... روز شوم نکوهیده است...). در نتیجه صلاحیت ریخته شدن خون در این روز هیچ ربطی به حجامت ندارد اتفاقاً در روایتی دیگر آمده که: «يُكْرَهُ فِيهِ سَائِرُ الْأَعْمَالِ وَ الْفُصْدُ وَ الْحِجَامَةُ» (ترجمه: در این روز سایر اعمال و فصد و حجامت مکروه است)^۱

^۱ منبع همه این احادیث: بحارالانوار، جلد ۵۶، ص ۷۶

جمع بندی و نتیجه گیری کلی:

باتوجه به مجموع روایات وارده و بررسی هایی که کردیم باید گفت که حجامت از یک دیدگاه به دو قسم تقسیم می شود:

۱- حجامت پیشگیری

۲- حجامت درمانی.

که حجامت درمانی هم بر حسب افراد محتاج به حجامت نیز به دو دسته تقسیم می شود:

۱- حجامت درمانی برای کسانی که باید در اولین وقت «مناسب» حجامت کنند

۲- حجامت درمانی برای کسانی که در اولین زمان «ممکن» باید حجامت کنند

که از آن تعبیر به «حجامت تبیغ» می شود که پیامبر ﷺ می فرمایند اصلاً صبر نکن حتی اگر شده با سر نیزه حجامت کن! و در روایت هم که گذشت فرمودند حجامت کنید که خونتان تبیغ نکند که شما را بکشد!

بر اساس این تقسیم بندی باید گفت: اصل بر اینست که انسان در حالت عادی فقط و فقط باید در ایام ۱۲ تا ۱۵ ماه قمری حجامت کند و اگر حجامت نکرد باید تا ماه بعدی صبر کند که ۱۲ ماه قمری فرا برسد. اما چنانچه دچار غلبه دم است و نیاز به «حجامتِ درمانی» دارد، و در ۱۲ تا ۱۵ قمری همان ماه حجامت نکرده و نمیتواند تا ماه بعدی هم صبر کند بهترین حالت اینست که در آخرین پنج شنبه همان ماه، حجامت کند و اگر تا این حد هم نمیتواند صبر کند باید در اسرع وقت حجامت کند که هرچه کمتر، از روز پانزدهم گذشته باشد بهتر است. یعنی به ترتیب از ۱۶ تا ۲۱ قمری که باز اگر میتواند حداقل تا هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم، صبر کند. البته باید مراقبت نمود تا باقی شرایط حجامت (مثل روزهای هفته) هم که در پستهای بعدی می آید حتی الامکان رعایت شود. اما اگر خون به

حد «تبیع» رسید نیاز به رعایت هیچ کدام از اینها نیست و باید در اسرع وقت تحت هر شرایطی حجامت کرد حتی اگر وسیله بادکش هم ندارد باید با تیغ تنها، صرفاً خون را از مویرگها خارج کند چون شرایط اضطراری می شود. بنابراین طبیعی که می خواهد حجامت تجویز کند باید این مراحل و مراتب بیماران را در نظر داشته باشد.

ملاک دوم «روزهای هفته»

شنبه

۱-روایت پیامبر ﷺ که امر می‌کنند:

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُحْتَاجًا فَلْيَحْتَجِمْ يَوْمَ السَّبْتِ»^۱

«هرکس از شما خواستار حجامت است پس باید روز شنبه حجامت کند»

۲-روایتی از پیامبر ﷺ که نهی می‌کند:

«مَنْ احْتَجَمَ يَوْمَ أَرْبَعَاءٍ أَوْ يَوْمَ سَبْتٍ وَ أَصَابَهُ وَضَحٌ فَلَا يَلْمُ إِلَّا نَفْسَهُ»^۲

«هرکس روز چهارشنبه یا روز شنبه حجامت کند و پیزی او را مبتلا کند، پس

کسی جز خودش را سرزنش نکند»

۳-روایتی از امام صادق علیه السلام که شخصی، همین حدیث دوم از رسول الله را از ایشان

میپرسد و راوی نیز به ایشان میگوید که: اهل سنت برای ما از پیامبر ﷺ حدیثی نقل کرده اند

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۴ و - مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۸۴

^۲ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۷۶ - دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۵

در حالی که آن را انکار کردند و گفتند که حدیث صحیح از رسول الله ﷺ این است که هرگاه خون بر یکی از شما چیره شد باید (در هر وقتی) حجامت کند تا او را نکشد. که حضرت در پاسخ می‌فرمایند:

«مَا عَلِمْتُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَرَى بِهِ بَأْسًا»^۱

«هیچ یک از اهل بیت را نمی‌شناسم که به این (حجامت در شب و چهارشنبه) اشکالی دیده باشد»

۴- روایت دیگری از امام صادق علیه السلام که راوی از حجامت در روز شب و از ایشان سوال کرد و حضرت فرمودند:

«يُضْعَفُ»^۲

«ضعیف می‌کند (انسان را)»

جمع بندی و نتیجه گیری:

احتمال قوی در روایت اول که امر به حجامت در شب و اینست که مخاطبین پیامبر ﷺ می‌خواستند در جمعه حجامت کنند و حضرت فرمودند اگر میخواهید حجامت

^۱ طب الاثمه، ص ۵۶

^۲ طب الاثمه، ص ۵۹

کنید شنبه بکنید. و این را گفته برای اینکه آنها جمعه حجامت نکنند. زیرا باتوجه به روایات بعدی حجامت در شنبه خیلی ایده آل نیست ولی نهی هم نمی شود. و در ادامه خواهد آمد که خون در روز شنبه کم می شود و علت اینکه امام علیه السلام فرمودند حجامت در آن روز انسان را ضعیف می کند همین کم شدن خون است. ولی از آنطرف نهی هم نمی شود چرا که نیاز به حجامت به حدی است که می توان ضعف موقتی آن را نادیده گرفت. و روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله که حجامت در شنبه و چهارشنبه را به خاطر ابتلای به پرسی نهی می کند هم که توسط امام صادق علیه السلام رد شده و امام علیه السلام هیچ اشکالی در آن نمی دیدند. که البته منظور در مبتلا شدن به پرسی، به خاطر حجامت در این دو روز، اشکالی نمی بینند و الا به خاطر ضعفی که حجامت شنبه می آورد، اشکال دارد. بنابراین روایت دوم از پیامبر صلی الله علیه و آله جعلی است و از طرق اهل سنت روایت شده چه اینکه در ادامه هم احادیثی خواهد آمد که ائمه علیهم السلام این روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را جعلی میدانند. لذا حجامت در شنبه هیچ اشکالی ندارد به جز اینکه باعث ایجاد ضعف می شود که باید طبیب این مهم را در تجویز حجامت لحاظ کند و افراد کم خون یا غش و ضعفی در شنبه حجامت نکنند. اما اگر کسی از مدتی دور انتظار حجامت میکشید و شنبه نیز با وقت مناسبی مثلا با پانزدهم ماه مقارن شده، نباید معطل بکند بلکه باید در همان شنبه حجامت کند.

یکشنبه

۱- روزی امام صادق علیه السلام از کنار جماعتی می‌گذشت که حجامت می‌کردند سپس به آنها فرمودند:

«مَا كَانَ عَلَيْكُمْ لَوْ أَخَّرْتُمُوهُ إِلَى عَشِيَّةِ الْوَاحِدِ فَكَانَ أَجْرًا لِلدَّاءِ»^۱

«چه می‌شد بر شما اگر آن را تا شب یکشنبه به تاخیر می‌انداختید زیرا
که برای (درمان) بیماری، مبرا کننده تر است»

شرح عبارت:

جلوتر خواهیم خواند که حجامت در شب خوب نیست مگر اینکه ماه رمضان باشد، بنابراین به احتمال بسیار قوی قطعاً امر به حجامت در این روایت در ماه رمضان بوده زیرا که فرمودند تا شب یکشنبه به تاخیر بیندازید. البته احتمال دیگر اینست که در آن وقت، شنبه با روز شومی مصادف شده بود و یا اینکه آن افراد غش و ضعفی بودند و چنانچه گذشت حجامت در شنبه بدن را ضعیف می‌کند. احتمال دیگر اینکه شاید یکشنبه مصادف با هفتم حزیران شده بود و لذا امام علیه السلام فرمودند ای کاش تا شب یکشنبه صبر میکردید که شاید کنایه از این باشد که باید صبر میکردید تا روز شنبه تمام شود و یکشنبه فرا برسد. زیرا که آغاز یک شبانه روز در اسلام از اذان مغرب است یعنی شبانه روز یکشنبه از اذان مغرب روز شنبه شروع می‌شود. بنابراین احتمالاً منظور، رسیدن کل شبانه روز یکشنبه بود نه اینکه امام علیه السلام امر کند که در «شب» حجامت کنید.

^۱ طب الاثمه، ص ۵۹

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«الْحِجَامَةُ يَوْمَ الْأَحَدِ فِيهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ»^۱

«حجامت روز یکشنبه، در آن از برای هر بیماری ای شفاست»

شرح عبارت:

این روایت مرسله است و نمیتوان به آن خیلی تکیه کرد البته اگر بسیار قوی هم می بود همچنان که در ابتدای این بخش گفتیم می بایست آن را با این اصل تطبیق دهیم که حجامت باید در شرایط «زیادی خون» انجام شود و به احتمال زیاد منظور امام علیه السلام همان یکشنبه ای بود که در آن قرار داشت البته اطلاق روایت را هم نمی توان نادیده گرفت.

جمع بندی و نتیجه گیری:

در هر حال چه حجامت روز یکشنبه توصیه بشود یا نه، حداقل نهی هم از آن نشده. بنابراین هیچ مانعی در انجام حجامت برای روز یکشنبه نیست. و شب یکشنبه هم نسبت به روز شنبه بهتر است زیرا که در انتهای روایت اول، امام علیه السلام فرمودند: «این کار برای بیماری «مبراکننده تر» است» یعنی امام علیه السلام در مقایسه با حجامت روز شنبه که داشته انجام می شده این را فرمودنده اند. زیرا که در روایات مربوط به شنبه خواندیم که شنبه روز کم بودن خون

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۴ - مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۸۴

است و حجامت در آن بدن را ضعیف می‌کند و از این جهت حتی شب یکشنبه هم از آن بهتر است.

بنابراین یکشنبه روز کاملاً بی‌ضرری برای حجامت است و اگر امر دایر شود بین انتخاب شنبه یا یکشنبه باید یکشنبه حجامت کرد. و اگر در ماه رمضان بود شب یکشنبه بهتر از روز آن است زیرا از حجامت در روزهای ماه رمضان در روایات نهی شده است.

دوشنبه

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«اَحْتَجِمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَ اُعْطِيَ الْحَجَّامُ بُرّاً»^۱

«رسول خدا صلی الله علیه و آله روز دوشنبه حجّامت کرد و به حجّامت گر گندم هدیه داد»

شرح عبارت:

این حدیث بیانگر صلاحیت و بی ضرری دوشنبه برای حجّامت است.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَحْتَجِمُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ»^۲

«رسول خدا صلی الله علیه و آله دوشنبه پس از عصر حجّامت می نمود»

^۱ الخصال، ص ۳۸۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۱۴

^۲ الخصال، ص ۳۸۴

شرح عبارت:

واژه «یحتجم» با «کان» آمده که همان ماضی استمراری است و نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ بر حجامت کردن در روز دوشنبه، پس از عصر، استمرار داشت یعنی همیشه این کار را انجام میداد البته روایت انحصار در دوشنبه را نمی‌فهماند یعنی حجامت کردن پیامبر ﷺ در باقی اوقات را نفی نمی‌کند ضمن اینکه اگر بر فرض حجامت در باقی اوقات هم نفی بشود این مختص پیامبر ﷺ است و برای مردم عادی منهی عنه نیست.

۳- امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الْحِجَامَةُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ مِنْ اَخْرِ النَّهَارِ تَسْلُ الدَّاءَ سَلًّا مِنَ الْبَدَنِ»^۱

«حجامت روز دوشنبه در آخر روز، بیماری را به کلی از بدن بیرون

می‌ریزد»

شرح عبارت:

این حدیث، حدیث پیشین را تفسیر می‌کند مبنی بر اینکه حجامت در آخر روز دوشنبه مختص پیامبر ﷺ نیست و برای همه‌ی «بیماران» توصیه می‌شود اما توصیه ای به آن برای

^۱ الخصال، ص ۳۸۵

«پیشگیری» در حالت عدم غلبه دم، نشده است. ولی نهی هم از آن نشده. بنابراین حجامت دوشنبه پس از عصر برای همه خصوصاً «بیماران» توصیه می شود.

۴- امام رضا علیه السلام فرمودند:

«حِجَامَةُ الْإِثْنَيْنِ لَنَا وَالثَّلَاثَاءِ لِبَنِي أُمَيَّة»^۱

«حجامت دوشنبه برای ما و حجامت سه شنبه برای بنی امیه است»

شرح عبارت:

با پیوست این حدیث با حدیث قبلی، این معنی نتیجه می شود که چنانچه ائمه علیهم السلام بفرمایند فلان عمل یا فلان چیز «برای ما» است، به معنی نفی آن عمل و آن چیز برای پیروان ایشان نیست. حتی برای همه به غیر از بنی امیه نیز می تواند باشد. ولی آنچه که به ذهن متبادر می شود اینست که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام انتخاب اولشان برای حجامت، روز دوشنبه بوده چون طبق این چند روایت، این روز، روز مخصوصی برای حجامت اهل بیت هست هرچند حجامت در باقی اوقات توسط اهل بیت نیز از این روایت نفی نمی شود و حجامت آنان را در دوشنبه منحصر نمی کند لکن آنچه مشخص است افضلیت دوشنبه برای حجامت کردن اهل بیت است.

^۱ طب الائمه، ص ۱۳۹

جمع بندی و نتیجه گیری:

باتوجه به مجموع آنچه گفته شد، حجامت روز دوشنبه در آخر روز یعنی پس از عصر برای همه خصوصا بیماران خوب است. حتی چه به بسا بهترین وقت برای بیماران محتاج به حجامت، آخر روز دوشنبه باشد زیرا که امام صادق علیه السلام فرمودند: «حجامت در آخر روز دوشنبه بیماری را به کلی از بدن بیرون می ریزد». البته همانطور که قبلا هم گفتیم باید اصل «زیادی خون» برای حجامت را در نظر بگیریم که لازمه آن مراعات اوقات قمری در کنار مراعات اوقات هفته است.

سه شنبه

۱- در دیوان شعر منسوب به امیرالمومنین علیه السلام آمده:

«وَمَنْ يُرِدِ الْحِجَامَةَ فَالْتَلَاءُ فِي سَاعَاتِهِ هَرَقُ الدِّمَاءِ»^۱

«و هرکس می خواهد حجامت کند پس سه شنبه خوب است. زیرا که
در ساعات آن خون ها ریخته شد»

شرح عبارت:

همانطور که ذکر شد این حدیث فقط به امیرالمومنین «منسوب» است و بسیار بعید است که از ایشان باشد چرا که روایت صحیح السند دیگری با آن تعارض می کند.

۲- روایتی که در آن امام صادق علیه السلام از حرمان می پرسد مردم در چه چیزی اختلاف کردند؟ حرمان گفت: عرض کردم در اینکه روز سه شنبه برای حجامت بهتر است. حضرت پرسید دیدگاهشان در این باره چیست؟ عرض کردم: آنان میگویند سه شنبه روز خون است. سپس امام علیه السلام فرمودند:

^۱ بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۳۱

«صَدَقُوا، فَأَخْرَى أَنْ لَا يَهَيِّجُوهُ فِي يَوْمِهِ، أَمَا عَلِمُوا أَنَّ فِي يَوْمِ
الثَّلَاثَاءِ سَاعَةً مَنْ وَأَفْقَهَا لَمْ يَرَقْ دَمُهُ حَتَّى يَمُوتَ، أَوْ مَا شَاءَ
اللَّهُ»^۱

«راست گفتند. پس سزاوارتر است که خون را در روزش به هیجان در
نیاورند. آیا نمیدانند که همانا در روز سه شنبه ساعتی هست که هرکس
با آن ساعت همراه شود، خورش بند نمی آید تا اینکه بمیرد یا هر چه را
که خدا بخواهد؟!»

شرح عبارت:

این حدیث از باقی احادیث سه شنبه معتبرتر است و باید بیشتر از بقیه ملاک قرار بگیرد
زیرا که سندش از کتاب کافی است. و با روایتی که پیشتر گفته شد که سه شنبه روز بنی امیه
برای حجامت است، مطابقت دارد. خطری هم که امام صادق علیه السلام در این روایت گوشزد
میکند خطر بسیار جدی ایست. و فقط حجامت هم موضوعیت ندارد بلکه دلیل نهی از
حجامت، روز خون و بند نیامدن آن تا حد مرگ است. در نتیجه باید از فصد و جراحی و سایر
اعمال خونریزی نیز به شدت پرهیز شود مگر اینکه خون به حالت تبیغ برسد که پیشتر گفتیم
نیاز به مراعات هیچ شرایطی نیست چه اینکه در چنین وضعیتی با خواندن آیت الکرسی
خطرات احتمالی آن را دفع می کنیم زیرا امام صادق علیه السلام هم در انتهای این روایت می فرماید
«یا هر چه که خدا بخواهد»

^۱ کافی، ج ۸، ص ۱۹۱

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أَوَّلُ ثَلَاثَاءَ تَدْخُلُ فِي شَهْرِ آذَارَ بِالرُّومِيَّةِ الْحِجَامَةُ فِيهِ مَصَحَّةٌ
سَنَةِ يَأْذِنُ اللَّهُ تَعَالَى»^۱

«اولین سه شنبه ای که در ماه آذار رومی داخل می شود، به اذن خدای
بلند مرتبه حجامت در آن موجب تندرستی یک سال است»

هرچند در این روایت فایده عظیمی برای حجامت اولین سه شنبه‌ی ماه آذار رومی
شمرده، اما به خاطر خطری که در روایت پیشین گوشزد شده نمیتوان ریسک کرد و در این روز
حجامت نمود چه اینکه این روایت اصلاً سند ندارد و ملاک، همان روایت پیشین است. و
اگر این روایت سند هم می داشت باز به علت اینکه آن ساعت خاصی که خون در آن بند نمی
آید، معلوم نیست باید از حجامت پرهیز می شد چون احتیاط شرط عقل است.

۳- سه روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در دو تا از آنها حجامت در روز سه شنبه مطابق با
هفدهم ماه را موجب سلامتی و در روایتی دیگر موجب پیشگیری از کل بیماریهای سال
می داند.^۲

^۱ طب الائمه، ص ۵۶

^۲ طب الائمه، ص ۵۶ - مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۸۴ - الخصال، ص ۳۸۵

شرح عبارت:

همانطور که قبلاً گفته شد این روایات از طرق اهل سنت وارد شده و اتفاقاً چه بسا مدنظر حمران (راوی روایت دوم از کتاب کافی) نیز بوده است و ظاهراً امام صادق علیه السلام درباره همین سه روایت از حمران میپرسند که مردم درباره چه چیز اختلاف کردند و درباره حجامت روز سه شنبه چه میگویند که نهایتاً امام علیه السلام حکم به نهی از حجامت در سه شنبه می‌کنند و خطر مرگ به سبب بند نیامدن خون را گوشزد می‌کنند. بنابراین همانطور که قبلاً گفتیم این روایات را چون از طرق اهل سنت است بر دیوار میکوبیم! (طبق دستور امام صادق علیه السلام و طبق عادت فقهای امامیه)

جمع بندی و نتیجه گیری:

روایاتی که حجامت در سه شنبه را توصیه کرده دو حالت بیشتر ندارند:

۱- سند ندارند

۲- از طرق اهل سنت وارد شده اند .

اما روایتی که در آن ما را نسبت به حجامت در سه شنبه هشدار داده در معتبرترین کتاب شیعه یعنی کتاب کافی موجود است پس ملاک همان است. نهایتاً می‌توان روایت سوم را با روایت دوم اینگونه جمع کرد که در روایت سوم امام علیه السلام فرموده‌اند «به اذن خدا» شفاى سلامتی آن سال است. و در روایت دوم هم فرمودنده اند «هرچه خدا بخواهد» یعنی چنانچه بخواهیم در اولین سه شنبه‌ی ماه آذار رومی حجامت کنیم باید آن را با خواندن آیت الکرسی یا استخاره و اعمالی امثال این به خدا بسپاریم. اما نظر ما همان روایت دوم است چرا که روایت سوم اصلاً سند ندارد.

اما چنانچه خون تبیغ کند نباید منتظر هیچ چیزی ایستاد زیرا خطر «تبیغ و طغیان خون» از «بند نیامدن خون» بسیار بیشتر است.

ولی بهتر است قول ستاره شناسان را هم مراعات کنیم آنها میگویند سه شنبه روز مریخ است و ساعت هشتم هم ساعت مریخ و تناسب مریخ با خون، هم رنگ بودن آنست لذا بهتر است در حجامت تبیغ هم اگر ممکن است در ساعت هشتم روز سه شنبه حجامت صورت نگیرد که به احتیاط نزدیکتر و با حکم عقل سازگار تر است.

چهارشنبه

روایات چهارشنبه بسیار ضد و نقیض است لذا باید با دقت بررسی شوند. ابتدا روایاتی که حجامت چهارشنبه را مذمت یا نهی میکنند و سپس روایاتی که آن را تایید و یا امر می‌کنند می‌آوریم:

۱- در کتاب مناهی النبی از شیخ صدوق آمده:

«أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْحِجَامَةِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ»^۱

«همانا پیامبر ﷺ از حجامت روز چهارشنبه نهی فرمودند»

نکته: همین روایت را طبرسی نیز در مکارم الاخلاق، ص ۷۵ نقل کرده است. با این تفاوت که در آنجا قید قمر در عقرب هم به آن اضافه شده است.

^۱ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰

۲- روایتی از امیرالمومنین علیه السلام :

«تَوَقَّوْا الْحِجَامَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ النُّورَةَ فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ وَ فِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمُ»^۱

«از حجامت در روز چهارشنبه خودداری کنید و همچنین نوره. زیرا که همانا روز چهارشنبه روز شوم پایدار است و در این روز جهنم خلق شده است»

نکته: عین همین حدیث در همین کتاب در صفحه ۶۳۷ از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است.

۳- روایتی دیگر که امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده:

«نَزَلَ عَلَى جِبْرِئِيلَ بِالنَّهْيِ عَنِ الْحِجَامَةِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ قَالَ: إِنَّهُ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ»^۲

«جبرئیل با نهی از حجامت روز چهارشنبه بر من نازل شد و گفت: همانا چهارشنبه روز شوم پایدار است»

^۱ الخصال، ص ۳۸۷

^۲ مکارم الاخلاق، ص ۷۵

۴- امام رضا علیه السلام فرمودند:

«يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ مَنْ احْتَجَمَ فِيهِ خِيفَ أَنْ تَخْضَرَ
مَحَاجِمُهُ وَ مَنْ انْتَارَ فِيهِ خِيفَ عَلَيْهِ الْبَرَصُ»^۱

«روز چهارشنبه روز شوم پایدار است هر کسی در آن حجامت کند
ترسیده می شود که مواضع حجامتش سبز و کبود شود و هرکس در این
روز نوره بکشد از پستی بر او ترسیده می شود»

۵- روایتی که امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

«مَنْ احْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فَأَصَابَهُ وَضَحٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»^۲

«هرکسی روز چهارشنبه حجامت کند سپس پستی دچارش کند پس
جز خودش را سرزنش نکند»

نکته: عین همین روایت در کتاب مکارم الاخلاق صفحه ۷۵ نیز آمده با این تفاوت که
به جای واژه «وضح» واژه «بیاض» آمده که هم شامل پستی و هم شامل بهق می شود و ترجمه
آن «سفیدک» است.

^۱ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۴۸

^۲ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۵

۶- روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام:

راوی میگوید روز چهارشنبه امام علیه السلام را در زندان دیدم که داشت حجامت میکرد عرض کردم: این روزی است که مردم میگویند هرکس در این روز حجامت کند دچار پستی می‌شود. حضرت در پاسخ فرمودند:

«إِنَّمَا يُخَافُ ذَلِكَ عَلَى مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ فِي حَيْضِهَا»^۱

«همانا که بیم آن بر کسی می‌رود که مادرش او را در زمان حیض حامله شده باشد»

شرح عبارت:

در روایات دیگری داریم که هرکس مادرش در زمان حیض به او حامله شده باشد احتمال دچار شدنش به پستی بسیار زیاد است چه در چهارشنبه حجامت کند یا نکند. بنابراین این حدیث که در بین همه احادیث چهارشنبه معتبرترین است و سندش هم از کتاب کافی است، مفسر احادیثی است که ما را نسبت به حجامت چهارشنبه هشدار می‌دهد.

^۱ کافی، ج ۸، ص ۱۹۲

۷- پیامبر ﷺ فرمودند:

«آخِرُ أَرْبَعَاءَ فِي الشَّهْرِ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ»^۱
 «آخرین چهارشنبه در ماه روز شوم پایدار است»

۸- راوی می گوید روز چهارشنبه نزد امام هادی علیه السلام رفتم در حالی که داشت حجامت می کرد عرض کردم: مردم مکه و مدینه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند که فرمودند: «هرکس روز چهارشنبه حجامت کند و دچار پستی شود جز خودش را ملامت نکند» سپس امام علیه السلام فرمودند:

«كَذَّبُوا إِنَّمَا يُصِيبُ ذَلِكَ مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ فِي طَمَثٍ»^۲
 «دروغ گفته اند! همانا که آن، کسی را که مادرش در زمان خونریزی حیض به او حامله شده، دچار می کند»

^۱ الخصال، ص ۳۸۷

^۲ الخصال، ص ۳۸۶

۹- امام رضا علیه السلام فرمودند:

«قَلِّمُوا أَطْفَارَكُمْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَ احْتَجِّمُوا يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ»^۱

«ناخنهایتان را روز سه شنبه بگیرید و روز چهارشنبه حجامت کنید»

نکته: عین همین روایت در کتاب عیون اخبار الرضا آمده با این تفاوت که به جای «احْتَجِّمُوا» عبارت «استحموا» ذکر شده و در ادامه اش آمده که پنج شنبه حجامت کنید.

۱۰- راوی می گوید به امام رضا علیه السلام نامه نوشتم و درباره حجامت در روز چهارشنبه ای که باز نمی گردد (یعنی چهارشنبه آخر ماه) پرسیدم. سپس حضرت به من در نامه نوشت:

«مَنْ احْتَجَّمَ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافًا عَلَى أَهْلِ الطَّيْرَةِ
عُوفَى مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ وَقَى مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ وَ لَمْ تَخْضَرْ مَحَاجِمَهُ»^۲

«هر کس در روز چهارشنبه ای که باز نمی گردد (یعنی در چهارشنبه آخر ماه) برای اینکه با فال بد زندگان مخالفت کرده باشد، حجامت کند، از هر گزندی عافیت می یابد و از هر پیشامد ناگواری نگاه داشته می شود و مواضع حجامتش نیز کبود نمی شود»

^۱ الخصال، ص ۳۸۷

^۲ الخصال، ص ۳۸۶

نکته و شرح عبارت:

همین سوال را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نیز می‌پرسد با این تفاوت که قید چهارشنبه آخر ماه را نمی‌آورد و امام علیه السلام نیز همین پاسخ را میدهند که «هرکس روز چهارشنبه با نیت مخالفت با فال زندگان حجامت کند از پیشامد ناگواری عافیت می‌یابد و از هر گزندى نگاه داشته می‌شود». دقت شود که مطلق چهارشنبه ذکر شده و قید آخرین چهارشنبه ماه نیامده.

این دو حدیث مطابق با فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله است که فرمودند: با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی میکنند» یعنی طبق این روایت هرکس که معتقد به نحس بودن چهارشنبه برای حجامت باشد آسیب میبیند وگرنه هرکسی که با نیت مخالفت با فال زندگان، در چهارشنبه حجامت کند آسیبی نخواهد دید.

۱۲- روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله که در پست مربوط به شنبه گذشت (که فرمودند «هرکس روز چهارشنبه یا روز شنبه حجامت کند و پیسی او را مبتلا کند، پس کسی جز خودش را سرزنش نکند») راوی صحت آن را از امام صادق علیه السلام می‌پرسد و امام علیه السلام در جواب می‌فرمایند: «هیچ یک از اهل بیت را نمی‌شناسم که بر آن اشکالی ببیند»^۱

۱۳- حذیفه می‌گوید:

«رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام احْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ بَعْدَ الْعَصْرِ»^۲

^۱ طب الاثمه، ص ۵۶

^۲ الخصال، ص ۳۸۷

«امام صادق علیه السلام را دیدم که روز چهارشنبه پس از عصر حجامت می کرد»

جمع بندی و نتیجه گیری:

روایاتی که حجامت در چهارشنبه را مذمت می کند هیچ کدام سند معتبری ندارد. اما از آن جهت که نقل های مختلفی دارد نمی توان آن را نادیده گرفت لذا از لحاظ متنی باید بررسی شوند که از دو حال خارج نیستند:

۱- علت مذمت حجامت در چهارشنبه را به خاطر ابتلای به پیسی می دانند.

۲- علت آن را به خاطر نحس بودن چهارشنبه می دانند. دسته اول که توسط امام صادق و امام رضا و امام موسی کاظم و خصوصا امام هادی علیه السلام رد شده و حتی فرموده اند که آنهایی که این را می گویند دروغ گفته اند. نکته ای که قابل توجه است اینست که همیشه بین احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده با احادیثی که توسط ائمه علیهم السلام با همان مضمون نقل شده باید احادیث ائمه را ترجیح دهیم چرا که آنها مفسران و حافظان احادیث پیامبرند و صحیح را از ناصحیح تمیز می دهند و مقتضای امامتشان نیز همین است. لذا ملاک برای حجامت در چهارشنبه همان روایت کافی از امام کاظم علیه السلام و روایت امام هادی علیه السلام هست که فرمودند: ابتلای به پیسی در چهارشنبه برای کسانی است که مادرشان آن ها را در زمان حیض حامله شده. دقت شود که خصوصیت مزاجی زن حائضه موجب کنار هم قرار گرفتن همه ی شرایط برای پیسی گرفتن فرزند است حال یا در همان کودکی پیسی میگیرد و یا اینکه تغییرات تغذیه و آب و هوا و مزاج و ... آن را از پیسی حفظ می کند و باید تنها یک عامل دیگری باشد که در کنار عواملی که به خاطر بسته شدن نطفه اش در زمان حیض، آماده شده بود، قرار گیرد و او را مبتلا به پیسی کند. که حجامت چهارشنبه همان عامل است. و طبق معتبرترین حدیث در حجامت

چهارشنبه، ابتلای به پیسی فقط برای این چنین افرادی رخ می دهد. دسته دوم که علت مذمت حجامت در چهارشنبه را نحس بودن آن میداند نیز باتوجه به روایاتی که گذشت، برای کسانی که به شوم بودن آن معتقدند بد است ولی برای کسانی که نیت مخالفت با فالگیرها را دارند خوب است چرا که این عملشان در حکم تخریب فالگیری است که عملی شیطانی است. لذا خداوند آن ها را به خاطر این عملشان از آفات و گزندهای حجامت چهارشنبه حفظ می کند. البته دقت شود که به احتمال زیاد منظور چهارشنبه آخر ماه است که در روایات مذکور خواندیم.

بنابراین مخاطبین روایت اول و دوم و سوم کسانی هستند که یا مادرشان به آنها در حیض حامله شده و یا به خاطر قول فالگیرها اعتقاد به شومی چهارشنبه دارند. روایت چهارم و پنجم هم به شکل کلی صادر شده تا فقط احتمال ابتلای به پیسی را به صورت کلی بفهماند که طبق روایت کافی این احتمال فقط برای افرادی است که مادرشان در زمان حیض به آن ها حامله شده. پس برای بقیه ممنوع نیست. باقی روایات هم که در صدد اثبات بی اشکالی حجامت در چهارشنبه است.

بنابراین حجامت کردن در چهارشنبه هیچ اشکالی ندارد و آنچه که میتوانیم محکم تر بگوییم اینست که اصلاً و ابداً موجب ابتلای به پیسی نمی شود مگر فقط برای کسانی که مادرشان در زمان حیض به آنها حامله شده. پس شیعیان و پیروان ائمه علیهم السلام از حجامت چهارشنبه پیسی نخواهند گرفت.

در مجموع نظر نهایی اینست که هرکس بخواهد در چهارشنبه حجامت کند باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱- فقط کسانی حجامت کنند که مادرشان در زمان حیض به آنها حامله نشده (که احتمال چنین چیزی در بین شیعیان و مومنین نزدیک به صفر است)

۲- با نیت مخالفت با فالگیرها حجامت کنند تا بفهمانند که شومی چهارشنبه اگر هم حقیقت داشته باشد ربطی به فال آنها ندارد بلکه به خاطر خلقت جهنم در این روز است. که همین نیت خدایی موجب می شود تا خدا آن ها را از آسیب حجامت در چهارشنبه حفظ کند

۳- نیت اجرای سنت اهل بیت داشته باشند (طبق احادیثی که خود ائمه علیهم السلام در چهارشنبه حجامت کردند)

۴- بهتر است در آخرین چهارشنبه ماه نباشد که البته اگر هم بود با رعایت این شروط هیچ اشکالی ندارد

۵- آیت الکرسی خوانده شود و نتیجه کار را به خدا بسپارند

۶- مانند امام صادق علیه السلام که در حدیث آخر گذشت، «پس از عصر» حجامت کنند.

پنج شنبه

۱- روایتی از امام رضا علیه السلام :

«قَلَّمُوا أَظْفَارَكُمْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَاسْتَحَمُوا يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَاصْبُوا مِنَ الْحَجَّامِ حَاجَتَكُمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ»^۱

«روز سه شنبه ناخنهایتان را بگیرید و روز چهارشنبه حمام کنید و حاجتان را روز پنج شنبه از حجامتگر (با حجامتش) بخواهید»

۲- معتب بن مبارک میگوید نزد امام صادق علیه السلام در پنج شنبه در حالی که داشت حجامت می‌کرد بودم. عرض کردم: ای پسر رسول خدا آیا پنج شنبه حجامت می‌کنی؟ حضرت فرمودند:

«نَعَمْ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُحْتَجِماً فَلْيَحْتَجِّمْ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ فَإِنَّ كُلَّ عَشِيَّةٍ جُمُعَةٍ يَبْتَدِرُ الدَّمُ فَرَقاً مِنَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَرْجِعُ إِلَى وَكْرِهِ إِلَى غَدَاةِ الْخَمِيسِ»

«بله. هرکس از شما حجامت شونده است پس باید در روز پنج شنبه حجامت کند زیرا که همانا هر شب جمعه خون از ترس قیامت پراکنده می‌شود و تا صبح پنج شنبه به لانه اش بازمی‌گردد»

^۱ الخصال، ص ۳۹۲

شرح عبارت:

مثال خون در اینجا مانند مرغی است که از لانه بیرون می‌رود و سپس بعد از مدتی به لانه اش باز می‌گردد. لذا منظور امام علیه السلام همان موضع حجامت است. محتمل است که منظور امام علیه السلام موضع حجامت عام بوده باشد وگرنه باید بگوییم هیچ روزی از هفته برای حجامت مناسب نیست. زیرا فقط پنج شنبه خون به موضع خود برمی‌گردد. البته می‌توان این معنی را هم استنباط کرد که اگر در غیر پنج شنبه حجامت می‌کنی باید با مکش های متعدد و طولانی در موضع حجامت، خون را به سمت موضع که لانه اش می‌باشد بکشانی ولی در حجامت روز پنج شنبه نیازی به این همه مکش نیست بلکه چه بسا بدون مکش هم می‌توان در پنج شنبه حجامت کرد. طبق این احتمال، بهتر است حجامت سر و صافن (مچ پا) و حجامتهایی که انجام عمل مکش در آن سخت تر است در پنج شنبه انجام شود زیرا که خون در لانه خودش قرار دارد و چه بسا هیچ نیازی به مکش هم نباشد. بنابراین این حدیث بیانگر افضلیت پنج شنبه است و حجامت را در پنج شنبه منحصر نمی‌کند.

۳- همان روایت پیشین با این تفاوت ذکر شده که پس از این جملات، امام علیه السلام رو به غلام‌شان کرده و می‌گویند:

«يَا زَيْنَجَ اشْدُدْ قَصَبَ الْمَلَاظِمِ وَ اجْعَلْ مَصَّكَ رَحِيًّا وَ اجْعَلْ
شَرْطَكَ زَحْفًا»^۱

^۱ الخصال، ص ۳۹۲

«ای زینج! سر لوله های لیوانهای حجامت را سفت ببند و مکیدن
را شل انجام بده و تیغ زدنت را مانند خزیدن (یک خزنده) قرار بده»

شرح عبارت:

شرح کامل این سه جمله امام علیه السلام در بخشش روش انجام حجامت خواهد آمد. اما نکته جالب اینست که امام علیه السلام در حین اینکه داشتند در پنج شنبه حجامت میکردند، پس از اینکه فرمودند در پنج شنبه خون به لانه اش بر میگردد به غلامشان فرمودند: «مکیدنت را سست و شل قرار بده» که به احتمال زیاد بی ارتباط با همین برگشتن خون به لانه‌ی خود نباشد. چرا که وقتی خون در لانه‌ی خودش هست پس باید مکش کمتر از حالت عادی باشد تا شدت فشار خون بر زیر موضع حجامت موجب تاول پوست نشود. بنابراین پنج شنبه ها باید مکش کمتر از روزهای دیگر باشد و حجامتهایی مثل حجامت سر که مکش در آن سخت یا ناممکن است باید پنج شنبه انجام شود.

۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أَنَّ الدَّمَ يَجْتَمِعُ فِي مَوْضِعِ الْحِجَامَةِ يَوْمَ الْخَمِيسِ فَإِذَا زَالَتْ
الشَّمْسُ تَفَرَّقَ فَخُذْ حَظَّكَ مِنَ الْحِجَامَةِ قَبْلَ الزَّوَالِ»^۱

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۵

«همانا خون، روز پنج شنبه قبل از ظهر در موضع حجامت جمع می‌شود پس چنانچه خورشید زوال کند (یعنی بعد از ظهر بشود)، خون پراکنده می‌گردد. پس بهره‌ات را از حجامت، پیش از ظهر بگیر»

شرح عبارت:

این روایت مفسر روایت پیشین است. یعنی اینکه در روایت پیشین گفته شد «لانهی خون»، در این حدیث امام‌العلیه‌السلام آن را به «موضع حجامت» تفسیر می‌کند. و البته تفاوتش اینست که در آنجا گفته خون شب جمعه پراکنده می‌شود ولی در اینجا گفته ظهر پنج شنبه. که می‌توان گفت شروع پراکنده شدن خون ظهر پنج شنبه است و تا شب جمعه کاملاً پراکنده می‌شود و دیگر باز نمی‌گردد تا صبح پنج شنبه بعدی. مگر اینکه با مکش‌های متوالی آن را بازگردانیم که نشانه آن، خوب سرخ شدن موضع حجامت است چنانچه جلوتر خواهیم گفت. بنابراین بهترین وقت پنج شنبه، برای حجامت، قبل از ظهر آنست.

۵- روایتی که در پستهای اوقات قمری گفته شد که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

«مَنْ احْتَجَمَ فِي آخِرِ خَمِيسٍ مِنَ الشَّهْرِ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ سَلَّ عَنْهُ
الدَّاءَ سَلًّا»^۱

«هر کس در آخرین پنج شنبه از ماه (قمری) در آغاز روز حجامت کند بیماری به کلی از او بیرون میریزد»

^۱ الخصال، ص ۳۸۶

شرح عبارت:

در این روایت هم گفته شده آغاز روز. چرا که از هفته قبل که خون از ترس قیامت پراکنده شده است حضرت فرمودند تا صبح پنج شنبه برنمی‌گردد یعنی صبح پنج شنبه همان لحظه اول قرارگیری خون در موضع حجامت و بهترین وقت بیرون کشیدن آنست به همین جهت می‌فرمایند که «بیماری به کلی از بدنش بیرون کشیده می‌شود»

جمع بندی و نتیجه گیری:

بهترین وقت برای انجام حجامت صبح پنج شنبه است. و حجامتهایی که مکش در آن سخت یا ناممکن است را باید پنج شنبه صبح انجام داد زیرا خون خودش در موضع جمع می‌شود و خیلی نیازی به مکش نیست حتی امام علیه السلام می‌فرمایند مکیدن را کم قرار بده. تا تجمع خون به پوست آسیب نزنند و موجب تاول نشود و تیغ زدن آسان باشد.

جمعه

این روز هم مانند چهارشنبه روایات ضد و نقیضی دارد که به حول و قوه الهی آن را حل خواهیم کرد.

۱- صدوق از پیامبر ﷺ گفته که:

«أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْحِجَامَةِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَالْجُمُعَةِ»^۱

«همانا ایشان از حجّات روز چهارشنبه و جمعه نهی می فرمودند»

شرح عبارت:

باتوجه به جمع بندی ای که درباره چهارشنبه کردیم برای این حدیث چهار احتمال می رود:

۱- جعلی است

۲- منظور افرادی است که مادرشان در زمان حیض به آنها حامله شده

۳- منظور افرادی است که اعتقاد به شومی روز جمعه دارند

^۱ امالی الصدوق، ص ۹۲

۴- چون خون در شب جمعه کاملاً پراکنده می‌شود لذا روز جمعه که ساعتهای آغازین پراکندگی خون است اصلاً برای حجامت مناسب نیست. ما احتمال اول و چهارم را می‌پسندیم. چرا که نهی پیامبر ﷺ از حجامت چهارشنبه توسط ائمه علیهم‌السلام رد شده و احتمال چهارم هم از مفهوم روایت پیش گفته درباره حجامت پنج‌شنبه فهمیده می‌شود؛ حتی اگر این روایت را نمی‌داشتیم. بنابراین ما کاری به این روایت نداریم.

۲- روایتی از پیامبر اکرم ﷺ که می‌فرمایند:

«تَوَقَّوْا الْحِجَامَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ... وَ فِي الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ لَا يَحْتَجِمُ فِيهَا أَحَدٌ إِلَّا مَاتَ»^۱

«از حجامت روز چهارشنبه و روز جمعه خودداری کنید... و در جمعه ساعتی است که احدی در آن حجامت نمی‌کند مگر اینکه می‌میرد»

شرح عبارت:

در کتاب الخصال همین حدیث با این تفاوت آمده که در ابتدای حدیث روز جمعه را نمی‌گوید و علاوه بر حجامت از نوره هم نهی می‌کند. ما نمی‌توانیم ضرر حجامت در چهارشنبه را بپذیریم زیرا ائمه علیهم‌السلام اطلاق آن را رد کرده‌اند و آن را مختص افرادی خاص قرار داده‌اند. بنابراین احتمال دارد که این روایت ساختگی باشد ولی انتهای روایت که درباره

^۱ تحف العقول، ص ۱۲۵

حجامت جمعه است خطر جدی ای را گوشزد می‌کند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت بنابراین به نظر ما عده ای این روایت را دستکاری کرده اند و قسمت چهارشنبه را به جمعه اضافه نمودند. پس تذکر روایت نسبت به جمعه را نفی نمی‌کنیم.

۳- روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام :

«فِي الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ لَا يَحْتَجِمُ فِيهِ أَحَدٌ إِلَّا مَاتَ»^۱

«در جمعه ساعتی است که احدی در آن حجامت نمی‌کند مگر اینکه

می‌میرد»

شرح عبارت:

همانطور که گفتیم، آنچه صحیح است خطر جدی حجامت در جمعه است که به احتمال زیاد، حدیث پیشین، دستکاری شده‌ی همین حدیث از شخص امیرالمؤمنین علیه السلام یا شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است که امیرالمؤمنین علیه السلام صحیح آن را برایمان نقل فرمودند.

۳- روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمودند:

^۱ الخصال، ص ۶۳۷ - مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۸

«لَا تَحْتَجِمُوا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ مَعَ الزَّوَالِ، فَإِنَّ مَنِ احْتَجَمَ مَعَ
الزَّوَالِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»^۱

«در روز جمعه در حال ظهر حجامت نکنید زیرا که هرکس در حال
ظهر در روز جمعه حجامت کند سپس چیزی او را دچار کند پس جز
خودش را سرزنش نکند»

شرح عبارت:

این روایت از باقی روایات معتبرتر است و در آن همان ساعتی که خطرناک است را
مشخص می‌کند که پس از اذان ظهر است یعنی از ظهر تا عصر شرعی. و این حدیث نیز
احتمال اولی که در حدیث اول دادیم را تقویت می‌کند چرا که آن روزی که حجامت در آن
موجب ضرر و خطر است روز جمعه است نه چهارشنبه و ظاهراً در حدیث اول قسمت
چهارشنبه را به آن چسبانده اند. چه اینکه مذمت حجامت در چهارشنبه مطابق میل فالگیران
نیز بوده است.

۴- مفضل روایت می‌کند که روز جمعه بر امام صادق علیه السلام داخل شدم در حالی که
داشت حجامت می‌کرد. سپس فرمودند:

^۱ کافی، ج ۸، ص ۱۹۲

«أَوْ لَيْسَ تَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ؟» وَنَهَى عَنِ الْحِجَامَةِ مَعَ الزَّوَالِ فِي
يَوْمِ الْجُمُعَةِ^۱

«آیا آیت الکرسی را نمی خوانی؟» و از حجامت در حال ظهر در روز
جمعه نهی فرمودند

شرح عبارت:

این حدیث نیز بیانگر اینست که فقط حجامت در حال ظهر روز جمعه خوب نیست و در غیر این ساعات اشکالی ندارد. البته شاید امام علیه السلام در حال ظهر داشتند حجامت میکردند که اتفاقاً مقتضای تعجب مفضل نیز همین است لکن این مختص امام صادق علیه السلام است زیرا که مزاج آنان معتدل است و در معرض تبیغ خون قرار دارد. جلوتر معنای تبیغ را شرح خواهیم داد. قرینه دیگر بر تبیغ خون در این حدیث، خواندن آیت الکرسی است چرا که در روایات مربوط به حجامت تبیغ آمده «آیت الکرسی بخوان و هر وقت که خواستی حجامت کن» بنابراین این حدیث مربوط به حجامت تبیغ است و باز نهی مربوط به روایات پیشین سرجای خود می ماند.

۵- محمد قلاء می گوید امام باقر علیه السلام را دیدم که روز جمعه حجامت می کند عرض کردم: آیا روز جمعه حجامت می کنی؟ حضرت فرمودند:

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۵

«أَقْرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فَإِذَا هَاجَ بِكَ الدَّمُ لَيْلًا كَانَ أَوْ نَهَارًا فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَاحْتَجِمْ»^۱

«آیت الکرسی می خوانم. پس هرگاه خون بر تو هیجان کرد شب باشد یا روز پس آیت الکرسی را بخوان و حجامت کن»

شرح عبارت:

این روایت احتمالی که در حدیث پیشین گفته شد را ثابت می کند. بنابراین بد بودن حجامت روز جمعه و خطرناک بودن آن سر جای خود باقی است مگر در حالتی که خون تبیغ کند و به هیجان بیاید که در آن حالت با خواندن آیت الکرسی می توان حجامت نمود.

۶- مقاتل می گوید:

«رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فِي وَقْتِ الزَّوَالِ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ يَحْتَجِمُ وَهُوَ مُحْرِمٌ»^۲

«امام رضا عليه السلام را در روز جمعه در هنگام ظهر بر سر راه دیدم که حجامت می کرد در حالی که محرم بود»

^۱ الخصال، ص ۳۹۰

^۲ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۹

شرح عبارت:

قطعا در این روایت، امام علیه السلام به حالت تبیغ و هیجان خون رسیده بود زیرا در ادامه توضیح خواهیم داد که مزاجهای معتدل مستعد جدی برای تبیغ خون هستند و باید در حین احساس تبیغ خون فوراً حجامت کنند در هر وقتی که باشد لذا حتی در حالت احرام (لباس مخصوص برای حج رفتن حاجی) که حجامت و تراشیدن مو در آن حالت، حرام است نیز بایستی اگر خون تبیغ کرد حجامت نمود و این نشانگر اینست که همین فشار و هیجان خون آن نبود خون در روز جمعه از ترس قیامت را جبران می کند و با اصل «زیادی خون برای حجامت» که در ابتدای مطالبمان گفتیم مطابق است. چه اینکه در غیر از حالت ضرورت نمی توان در حین احرام حج حجامت کرد زیرا شرعاً حرام است. لذا تبیغ و هیجان خون مانع مرگ انسان در روز جمعه به سبب حجامت است که در روایات قبل خطرش گوشزد شد. بنابراین علت مرگ در روز جمعه به خاطر حجامت، کم شدن شدید خون است ممکن است بعضیها بگویند ما اثری از کم شدن خون در جمعه متوجه نمی شویم که جواب اینست که در روایت گفته شده خون به خاطر ترس از قیامت پراکنده می شود و در هنگام ترس، خون از سطح بدن به درون می آید نه اینکه مقدارش کم شود بلکه ظهور و تجمع آن در سطح بدن کم می شود که اتفاقاً علت زردی رنگ و رخسار به هنگام ترس نیز همین است.

جمع بندی و نتیجه گیری:

باتوجه به مجموع آنچه بیان شد، روز جمعه بدترین وقت برای حجامت است و از آن بدتر پس از اذان ظهر تا عصر شرعی است و حتی خطر مرگ نیز بسیار جدی است و از آن جا که علت آن کم شدن خون سطح بدن است لذا همین خطر برای تمام اعمال خونگیری نظیر

فصد و جراحی و ... نیز ثابت است و باید از آنها نیز به شدت اجتناب کرد. اما چنانچه خون تبیغ کند دیگر علیّت کم شدن خون سطح بدن، برای پرهیز از حجامت، منتفی است و چه بسا همین تبیغ و فشار و هیجان خون، شخص را بکشد لذا حتما باید حجامت کند لکن باید آیت الکرسی بخواند تا خطرات احتمالی آن دفع شود.

ملاک سوم: «ماه های رومی»

۱- امام رضا علیه السلام در رساله ذهبیه می فرمایند:

«أَمَّا فَصْلُ الرَّبِيعِ فَإِنَّهُ رُوحُ الْأَزْمَانِ وَأَوَّلُهُ آذَارُ وَعَدَدُ أَيَّامِهِ وَاحِدٌ وَثَلَاثُونَ يَوْمًا... وَيَهِيحُ الدَّمُّ... وَيُسْتَعْمَلُ فِيهِ الْفَصْدُ وَالْحِجَامَةُ»^۱

«اما فصل بهار پس به درستی که آن روح زمانهاست و آغاز آن، ماه آذار رومی است و تعداد روزهای آن سی و یک روز است... و خون در آن به هیجان می آید... و رگ زنی و حجامت در آن به کار گرفته می شود»

شرح عبارت:

این روایت کاملاً مطابق با اصل «زیادی خون برای حجامت» است ضمن اینکه سند آن صحیح و مشهور بین علمای امامیه است. ماه آذار در سالهای عادی از ۲۲ اسفند آغاز شده و ۲۳ فروردین به پایان می رسد و در سالهای کبیسه از ۲۳ اسفند آغاز می شود و در ۲۳ فروردین به پایان می رسد. که ایام بسیار مناسبی برای حجامت است. البته باید اوقات قمری و روزهای هفته را هم مراعات کنید زیرا امام رضا علیه السلام فرمودند مطلقاً در این ماه حجامت کن بلکه

^۱ بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۰۵

مفهوم سیاق کلامشان اینست که این ماه، برای حجامت و فصد بسیار مناسب است که باید در «اوقات صحیحه» از این ماه حجامت و فصد کرد.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أَوَّلُ ثَلَاثَاءَ تَدْخُلُ فِي شَهْرِ آذَارَ بِالرُّومِيَّةِ الْحِجَامَةُ فِيهِ مَصَحَّةٌ
سَنَةً بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى»^۱

«اولین سه شنبه ای که در ماه آذار رومی داخل می شود، به اذن خدای
بلند مرتبه حجامت در آن موجب تندرستی یک سال است»

شرح عبارت:

این حدیث در بخش مربوط به سه شنبه ذکر شد. و گفته شد که سند ندارد لذا باید با رساله ذهبیه تطبیق داده شود که فقط حجامت در ماه آذار آن مطابق رساله است بنابراین همانطور که قبلاً گفتیم نباید ریسک کرد و در سه شنبه حجامت نمود حتی اگر داخل ماه آذار باشد. مگر اینکه خون به حد تبیغ و هیجان برسد. البته شاید بتوان از روایت پیشین اطلاق هیجان دم برای همه بدن ها را فهمید و گفت که در هر وقتی از ماه آذار، خون در حالت تبیغ است و باید حجامت کرد که این بعید است زیرا لازم می آید که همه ی کسانی که در این ماه حجامت نمی کنند، به خاطر تبیغ و هیجان خون بمیرند که چنین چیزی مشاهده نشده است.

^۱ طب الائمه، ص ۵۶

پس بدن انسان در این ماه «مستعد هیجان خون است» نه اینکه همه افراد به حالت تبیغ می‌رسند و «هیجان خون» مفهومی اعم از «تبیغ» است.

۳- روایتی از امام رضا علیه السلام که فرمودند:

«لَا تَدْعِ الْحِجَامَةَ فِي سَبْعٍ مِنْ حَزِيرَانِ فَإِنَّ فَاتَكَ فَرَبْعَ عَشْرَةَ»^۱

«حجامت را در هفتم از حزیران ترک مکن پس اگر از تو فوت شد پس چهاردهم حجامت کن»

شرح عبارت:

ماه حزیران از ۲۲ خرداد تا ۲۱ تیر است. بر خلاف آنچه که مشهور است و می‌گویند بهترین وقت حجامت هفتم حزیران است باید گفت بهترین وقت از لحاظ اوقات ماه رومی، همان ماه آذار یعنی ابتدای فصل بهار است و این روایت حزیران نیز ضعیف است و نمی‌توان خیلی به آن تکیه کرد. اما چون فواید آن مشهور است و امام علیه السلام هم امر فرمودند لذا اگر بخواهیم این حدیث را کنار نزنیم باید بگوییم: منظور امام علیه السلام همان وقتی بود که در آن سال در آن قرار داشتند چرا که اگر مثلاً هفتم حزیران با اوقات نامناسب قمری و هفته، مقارن شود نباید حجامت کرد مثلاً اگر هفتم حزیران جمعه شود چهاردهم آن هم جمعه خواهد شد و اگر مثلاً یکم ماه قمری هم بشود باز نباید به خاطر این حدیث حجامت کرد چون همانطور که گفتیم اصل، «زیادی خون برای حجامت» است و حال آنکه هیچ دلیلی برای زیادی خون در هفتم یا چهاردهم حزیران وجود ندارد. اتفاقاً در رساله ذهبیه آمده که «حَزِيرَانُ... يَذْهَبُ

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۵

فِيهِ سُلْطَانٌ...الدِّمَّ وَ يُقْبَلُ زَمَانُ الْمِرَّةِ الصَّفْرَاوِيَّةِ» (ترجمه: حزیران... در این ماه سلطان... دم از بین می‌رود و زمان تلخه صفرا فرا می‌رسد) پس امر به حجامت در هفتم یا چهاردهم حزیران مطابق با اصل «زیادی خون برای حجامت» نیست و حتی چه بسا بد هم باشد زیرا این ماه، ماه غلبه صفراست و با حجامت صفرا تشدید می‌شود و همچنین روایت شده که حزیران ماه نحسی است و حضرت موسی در آن بر قوم خود نفرین کرده که در یک شب ۳۰۰ هزار نفرشان از بین رفتند و همچنین در این ماه، اجل‌ها نزدیکتر می‌شود و مرگها بسیار. بنابراین نمی‌توان ریسک کرد. البته شاید علت امر به حجامت همین در امان ماندن از مرگ باشد که این معنی دور است و بهتر است همانطور که در خصوص بیست و یکم ماه قمری گفته شد برای دفع شومی این ماه، در راه خدا قربانی کنیم. با تمام این تفاسیر چنانچه هفتم حزیران با اوقات مناسب قمری و هفتگی مقارن شد و مزاج شخص نیز دارای غلبه دم بوده باشد، برای حجامت توصیه می‌شود. اما در غیر این حالات اصلاً برای حجامت خوب نیست.

۴- در قسمت دیگری از رساله ذهبیه آمده:

«نَيْسَانُ ثَلَاثُونَ يَوْمًا فِيهِ...يَتَحَرَّكُ الدِّمُّ»^۱

«ماه نیشان ۳۰ روز است در آن... خون به حرکت در می‌آید»

شرح عبارت:

^۱ بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۱۲

ماه نپسان از ۲۳ فروردین شروع می‌شود و تا ۲۲ اردیبهشت ادامه دارد. در این بخش صحبتی از حجامت نشده و فقط به حرکت خون اشاره شده است. که ظهور در معنای رقیق شدن خون دارد که باتوجه به این معنی، حجامت در این ماه فقط برای افرادی که خونشان غلیظ است توصیه می‌شود چرا که افراد صاحب خونهای رقیق ممکن است در این ماه با حجامت پلاکتهای بدنشان کمتر شود زیرا با کمبود پلاکت خون رقیق می‌شود. اتفاقاً در ادامه همین بخش آمده که «نباید ناشتا آب نوشیده شود» که با مفهوم رقیق شدن خون بیشتر سازگار است. زیرا افرادی که خونریزی دارند نباید در حین خونریزی آب بنوشند چون خونریزی شان بیشتر می‌شود و علت آن هم حرکت بیشتر خون به سبب نوشیدن آب است. بنابراین حجامت در این ماه خصوصاً برای افراد کم خون یا کم پلاکت اصلاً توصیه نمی‌شود زیرا ممکن است خونشان بند نیاید یا دیر بند بیاید اما فقط برای افراد دارای خون غلیظ یا کسانی که دچار گرفتگی عروق هستند توصیه می‌شود. در هر حال باید اوقات قمری و هفتگی هم مراعات شود.

۵- باز در رساله ذهبیه در ادامه آمده:

«تَشْرِينُ الْأَوَّلِ... وَ يُجْتَنَّبُ فِيهِ الْفَصْدُ»^۱

«ماه تشرین اول... و در آن از رگ زنی باید دوری شود»

^۱ بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۱۳

ماه تشرین اول از ۲۱ مهرماه آغاز می‌شود و تا ۲۲ آبان ادامه دارد. از آنجا که از فصد نهی شده لذا بهتر است از حجّات هم پرهیز کنیم مگر اینکه شرایطی ایجاد شود که مطابق با اصل «زیادی خون برای حجّات» باشد.

۶- در ادامه در رساله ذهبیه آمده:

«كَانُونُ الْأَوَّلُ... وَ يُتَّقَى فِيهِ الْحِجَامَةُ وَالْفَصْدُ»^۱

«ماه کانون اول... و از حجّات و فصد در آن باید پرهیز شود»

شرح عبارت:

ماه کانون اول از ۲۲ آذر شروع شده و تا ۲۳ دی ماه ادامه دارد و باید در این ماه از حجّات و فصد پرهیز کرد مگر اینکه شرایطی مطابق با اصل «زیادی خون برای حجّات» ایجاد شود.

نتیجه گیری و جمع بندی:

در کل اوقات سال باید از حجّات در اوقات زیر پرهیز شود:

^۱ بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۱۴

الف) از ۲۱ مهر تا ۲۲ آبان

ب) از ۲۲ آذر تا ۲۳ دی

ج) از ۲۲ خرداد تا ۲۱ تیر

د) در سالهای عادی از ۲۲ فروردین تا ۲۱ اردیبهشت و در سالهای کبیسه از ۲۳ فروردین تا ۲۲ اردیبهشت

البته همانطور که گفته شد چنانچه شرایط خاصی برای «زیادی خون» پیش آمد می توان در هر یک از این ایام نیز حجامت کرد ولی باید حتی الامکان اوقات قمری و هفتگی مراعات شود.

اما بهترین وقت برای حجامت در طول سال در سالهای عادی از ۲۲ اسفند و در سالهای کبیسه از ۲۳ اسفند تا ۲۳ فروردین است. البته باید اوقات قمری و هفتگی نیز در این ماه مراعات شود.

ملاک چهارم : «روزهای ماه فارسی»

درباره روزهای یکم تا سی ام ماه های فارسی روایاتی وارد شده که بعضیها سندشان مشخص نیست لکن ما در اینجا آنچه که مربوط به حجامت و خونگیری و فصد هست را ذکر می کنیم.

۱- روایتی که علامه مجلسی آن را در یکی از کتب منجمین پیدا کرده که از امام صادق علیه السلام نقل شده:

«الثَّانِي بِهَمَن... وَ لَا يَصْلُحُ لِلْفَصْدِ وَ الْحِجَامَةِ... وَ السَّابِعُ مُرْدَادٌ... وَ لَا يَصْلُحُ لِلْفَصْدِ وَ الْحِجَامَةِ... وَ التَّاسِعَ عَشَرَ فَرُورْدِينَ... وَ لِيَحْذَرُ فِيهِ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّمِّ»^۱

«روز دوم، (نامش) بهمن است... و برای رگ زنی و حجامت خوب نیست... و روز هفتم، مرداد است... و برای رگ زنی و حجامت خوب نیست... و روز نوزدهم، فروردین است و باید در آن روز از خارج کردن خون دوری جست»

شرح عبارت:

^۱ بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۰۱

«اخراج الدم» و «خارج کردن خون» شامل هم فصد و رگ زنی و هم حجامت و همه‌ی اعمال خونگیری مثل جراحی نیز می‌شود. در همین روایت روز اول، روز ششم، روز یازدهم، روز پانزدهم، روز بیست و ششم و روز بیست و هفتم نیز روز بدی برای فصد شمرده شده. اما آیا باید در این روزها از حجامت هم دوری کرد؟ نخیر. زیرا در این روایت، امام علیه السلام در مقام بیان بوده اند و هرگاه نیاز بوده، خوبی یا بدی آن روز را نسبت به حجامت یا حمام یا فصد و ... بیان کرده اند بنابراین در روزهایی که نامی از حجامت برده نشده ولی گفته شده که برای فصد خوب نیست، می‌توان حجامت کرد. البته نکته ای که مطرح است اینست که ظاهراً حساب ایام ماه‌ها و سالهای شمسی، در آن زمان با الان متفاوت شده چه اینکه گویا در آن زمان فارسها، ماه‌ها را سی روزه می‌گرفتند و برای ۵ روز باقی مانده نامهای جداگانه ای قرار میدادند یعنی یک سال آنها ۱۲ ماه ۳۰ روزه بود به علاوه ۵ روزی که جداگانه نام میگذاشتند. بنابراین نمی‌توان به این روایت در این زمان پایبند بود زیرا حساب ایام ماه و سالهای شمسی این زمان با آن موقع فرق کرده است اما در هر حال احتیاط خوب است.

۲- در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده:

«لَيَوْمُ السَّادِسُ صَالِحٌ لِلتَّزْوِيجِ... وَ الْحِجَامَةِ... وَ الْيَوْمُ الثَّلَاثُونَ
صَالِحٌ لِلسَّفَرِ... وَ إِخْرَاجِ الدَّمِ...»^۱

«روز ششم برای ازدواج کردن... و حجامت کردن نیکوست... و روز
سی ام برای سفر کردن و... خارج کردن خون نیکوست»

^۱ بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۰۵

نتیجه گیری و جمع بندی:

بهتر است احتیاطا در روزهای دوم و هفتم و نوزدهم هر ماه شمسی از حجامت کردن پرهیزیم. و همچنین در روزهای اول و ششم و یازدهم و پانزدهم و بیست و ششم و بیست و هفتم نیز بهتر است از انجام فصد پرهیزیم که با حکم عقل مبنی بر رعایت احتیاط سازگارتر است.

نتیجه گیری و جمع بندی کلی:

مباحث مربوط به اوقات مناسب حجامت در سه بخش خلاصه می شود که به ترتیب زیر باید ملاک قرار بگیرند و برای انجام حجامت مراعات شوند:

اول: اوقات ماه های قمری

دوم: روزهای هفته

سوم: اوقات ماه های رومی

چهارم: اوقات ماه های فارسی (شمسی)

چون پیدا کردن روزهایی که همه این چهار ملاک را باهم داشته باشد کمی مشکل است لذا ناچاریم تا ان شاء الله همه ی ایام مناسب حجامت در هر سال شمسی را برای شما در قالب یک تقویم حجامت ارائه دهیم.

تکمله بخش دوم

حجامت «تبیغ» یا «چیرگی خون»

از آنجا که روایات این بخش زیاد است لذا تنها به چند روایت مهم آن اشاره می‌کنیم و نهایتاً نتیجه نهایی را در خصوص حجامت تبیغ، ذکر خواهیم کرد.

۱- روایتی از پیامبر اکرم ﷺ :

«فَإِذَا تَبَيَّغَ الدَّمُ بِأَحَدِكُمْ فَلْيَحْتَجِمْ فِي أَيِّ الْأَيَّامِ كَانَ وَ لِيَقْرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ لِيَسْتَخِرَ اللَّهَ وَ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ»^۱

«پس هرگاه خون بر یکی از شما چیره شد پس باید در هر روزی که شد حجامت کند ولی باید آیت الکرسی هم بخواند و باید استخاره از خدا کند و بر پیامبر ﷺ درود بفرستد»

۲- روایتی از امام رضا علیه السلام :

^۱ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۲۵

«الدَّمُّ وَهُوَ عَبْدٌ وَرَبُّمَا قَتَلَ الْعَبْدُ سَيِّدَهُ...»^۱

«خون و آن بنده ایست و چه بسا بنده ای که سرورش را می کشد»

۳-روایتی از پیامبر اکرم ﷺ :

«إِذَا تَبَيَّغَ بِأَحَدِكُمُ الدَّمُّ فَلْيَحْتَجِمْ لَا يَقْتُلْهُ»^۲

«هرگاه خون بر یکی از شما چیره شد پس باید حجامت کند تا خون او را نکشد!»

۴-روایتی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ :

«اِحْتَجِمُوا إِذَا هَاجَ بِكُمُ الدَّمُّ فَإِنَّ الدَّمَ رَبُّمَا تَبَيَّغَ بِصَاحِبِهِ
فَيَقْتُلُهُ»^۳

«هرگاه خون بر شما هیجان کرد حجامت کنید. زیرا که همانا خون چه بسا بر صاحبش چیره شود سپس او را بکشد!»

^۱ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۰۰

^۲ طب الاثمه، ص ۵۶

^۳ طب الاثمه، ص ۲۵۶

۵- محمد قلاء می گوید امام باقر علیه السلام را دیدم که روز جمعه حجامت می کند عرض کردم: آیا روز جمعه حجامت می کنی؟ حضرت فرمودند:

«أَفْرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فَإِذَا هَاجَ بِكَ الدَّمُ لَيْلًا كَانَ أَوْ نَهَارًا فَافْرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَاحْتَجِمْ»^۱

«آیت الکرسی می خوانم. پس هرگاه خون بر تو هیجان کرد شب باشد یا روز پس آیت الکرسی را بخوان و حجامت کن»

۶- انصاری میگوید:

«كَانَ الرَّضَا علیه السلام رَبَّمَا تَبَيَّغَهُ الدَّمُ فَاحْتَجِمَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ»^۲

«امام رضا علیه السلام اینگونه بود که هرگاه خون بر او چیره می شد پس در دل شب حجامت می کرد»

۷- روایتی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

^۱ الخصال، ص ۳۹۰

^۲ مکارم الاخلاق، ص ۷۳

«إِذَا تَبَيَّغَ الدَّمُ بِأَحَدِكُمْ فَلْيَهْرِفْهُ وَ لَوْ بِمَشَقَصٍ»^۱

«هرگاه خون بر یکی از شما چیره شد پس باید آن را بریزد هرچند با نوک پیکان تیر جنگی باشد!»

۸-روایت امام باقر علیه السلام که فرمودند:

«فَأَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا يُغَرَّرُ بِنَفْسِهِ وَ لَا يُخْرِجُ الدَّمَ إِلَّا أَنْ يَتَبَيَّغَ بِهِ»^۲

«اما در ماه رمضان پس به خویش زیان نرساند و خون بیرون نکند مگر اینکه خون بر او چیره شود»

۹-روایت امام باقر علیه السلام که فرمودند:

«إِذَا احتَاجَ الْمُحَرِّمُ إِلَى الْحِجَامَةِ فَلْيَحْجَمْ وَ لَا يَحْلِقْ مَوَاضِعَ الْمُحَاجِمِ»^۳

^۱ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۵

^۲ مکارم الاخلاق، ص ۷۳

^۳ المصدر، ج ۱، ص ۳۰۴

«مُحَرَّم (کسی که در حال احرام حج است) هرگاه به حجامت نیاز پیدا کرد پس باید حجامت کند اما نباید جایگاه های لیوانهای حجامت را بتراشد»

۱۰- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِذَا نَارَ بِأَحَدِكُمُ الدَّمَ فَلْيَحْتَجِمْ لَا يَتَّبِعْ بِهِ فَيَقْتُلَهُ وَإِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ ذَلِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ آخِرِ النَّهَارِ»^۱

«هرگاه خون بر یکی از شما بجوشد پس باید حجامت کند تا بر او چیره نشود و او را نکشد و هرگاه یکی از شما آن را اراده کرد پس باید در آخر روز باشد»

شرح همه عبارات:

باید دقت کرد که در این روایات از سه واژه «هیجان خون» و «جوشش خون» و «چیرگی خون (تبیغ)» استفاده شده است. آنچه از روایات پیش گفته پیداست اینست که خون به ترتیب این سه مرحله را در بدن انسان طی می کند: ۱- جوشش خون ۲- هیجان خون ۳- چیرگی و تبیغ خون. از آنجا که در روایت دهم از امام صادق علیه السلام درباره جوشش خون وقت مشخص شده لذا نتیجه می گیریم که جوشش خون همان «حجامت درمانی» ای است که باید در وقت

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۵

مناسب انجام شود لکن از ظاهر عبارت بر می آید که شدیدترین نوع نیاز به «حجامت درمانی»، همین «جوشش خون» است چرا که می‌فرمایند: هرگاه خون بجوشد پس حجامت کن تا «خون بر تو چیره نشود و تبیغ نکند». به احتمال زیاد جوشش خون حالتی است که شخص علائم دم در مزاج خود می‌بیند لکن این علائم او را آزار نمی‌دهد و می‌تواند تا رسیدن وقت مناسب صبر کند. اما حالت دوم یعنی «هیجان خون» دو گونه است: یا شخص می‌تواند صبر کند و یا اینکه خوف دچار شدن به تبیغ خون و خوف ضرر جدی دارد که نباید صبر کند فقط برای اینکه خون بر او چیره نشود. و حالت سوم یعنی «چیرگی و تبیغ خون» حالتی است که به هیچ وجه نباید صبر کند چرا که اگر بدن در این حالت رها شود در هر لحظه، احتمال کشته شدن آن، حتمی است. چه اینکه در روایات زیادی که گذشت، خطر جدی ای برای آن گوشزد شده و حتی گفته شده که با نوک پیکان تیر جنگی هم که شده باید خون انسان در حالت «تبیغ و چیرگی خون» ریخته شود.

بنابراین در حالت تبیغ، ریخته شدن «خود خون» ملاک است تا انسان کشته نشود ولی بهترین حالت برای ریختن خون، حجامت است. اما روایت چهارم و پنجم نشان می‌دهد که اگر خون «هیجان» کرد هر لحظه امکان «تبیغ» آن هم هست لذا در این حالت اگر خوف ضرر دارد باید حجامت کند و حتی اگر در حال احرام حج باشد (که در این حالت ریختن خون حرام است) چه اینکه در روایت نهم امام باقر علیه السلام فرمودند چنین شخصی حجامت بکند اما موضع حجامت را نتراشد. یعنی حرمت تراشیدن مو در حال احرام، سر جای خود باقی است اما با این وجود باز هم باید حجامت کند. لذا اگر شخصی در حال احرام حج باشد با وجود دو حالت، نه تنها حجامت کردن بر او حرام نیست بلکه چه بسا واجب هم باشد:

۱- خون هیجان کند و خوف ضرر داشته باشد

۲- خون چیره شود و تبیغ کند چه خوف ضرر داشته باشد یا نداشته باشد. چنانچه هریک از این دو حالت پیش بیاید حجامت بر شخص مُحرَم، حرام نیست.

اما سوال مهم: علامت «چیرگی و تبیغ» خون چیست؟ و چگونه بفهمیم که دچار «جوشش خون» شده ایم یا «هیجان خون» و یا «چیرگی و تبیغ خون»؟

پاسخ این در روایات آمده لکن به جهت اختصار از ذکر روایات پرهیز می‌کنیم و مجموعاً آنچه در روایات گفته شده را عرض خواهیم کرد.

باید گفت علامتهای «جوشش خون» و «هیجان خون» یکی است. جز اینکه هیجان خون حالت شدیدتری از جوشش خون است و این دو حالتِ جوشش و هیجان خون همان اصلی است که در آغاز مطالب گفتیم. یعنی اصل «زیادی خون برای حجامت». لکن «هیجان خون» حالت شدیدی از «جوشش و زیادی خون» است که شخص را آزار می‌دهد تا جایی که در بعضیها خوف ضرر و خوف ابتلای به تبیغ و چیرگی خون نیز می‌آورد.

اما علامتهای جوشش و غلبه خون که در روایات آمده و ما به جهت اختصار از ذکر روایات خودداری می‌کنیم:

(۱) جوش های ریز در بدن

(۲) دمل ها (جوش های بزرگ خونی که اگر سر باز کنند خون و چرک از آنها خارج می‌شود)

۳) قروح (زخمهایی مانند تبخال)

۴) خارش

۵) سرگیجه (خصوصا اگر همراه احساس سنگینی سر باشد)

۶) احساس راه رفتن حشره روی بدن

۷) تمایل به خواب (یعنی هرچه میخوابد باز نیاز به خواب دارد و خواب آلوده است و فرق آن با خواب ناشی از بلغم اینست که شخص بلغمی سخت از خواب بیدار می شود)

۸) سرخی چهره و رنگ بدن

۹) احساس حرارت خصوصا در سطح بدن (فرق آن با صفرا اینست که صفرا احساس حرارت درونی می آورد)

با وجود هر یک از این علامات شخص باید حجامت کند. اگر این علامتها او را آزار نمی دهد باید در «اولین وقت صحیح» حجامت کند. اگر او را آزار می دهد باید «در اولین وقت ممکن» حجامت کند اما اگر این علامات خیلی شدید شد باید در «اولین وقت ممکن» و «تحت هر شرایطی» از خودش خون خارج کند حتی با تیغ تنها. که بهترین حالت خروج خون برای او حجامت است.

اما آنچه پس از بررسی لغت «تَبَيُّغ» در کتب معتبر لغوی بر می آید ما را به علاماتی دیگر برای «تَبَيُّغ و چیرگی خون» غیر از حالت شدید علامتهای گفته شده، می رساند:

^۱ منبع این علامات: ترجمه دراسة في طب الرسول، ج ۲، ص ۶۰۹ با اندکی تصرف

- (۱) افزایش بیش از حد خون
- (۲) بیشتر بودن خون نسبت به طبایع دیگر. چه واقعا مقدار «خود خون» زیاد باشد یا کم.
- (۳) فشار خون
- (۴) تیره شدن خون
- (۵) تنگی و گرفتگی عروق به سبب افزایش رسوبات و زواید موجود در آن
- (۶) غلظت خون و رکود و بی حرکتی آن
- (۷) دگرگون شدن خون و افزایش برخی عناصر آن مانند کلسترول یا قند یا گلبولهای قرمز یا پلاکت

اما نکته مهمی که از روایات مربوط به تبیغ خون فهمیده می شود اینست که خود شخص میتواند بفهمد که خورش به حالت تبیغ رسیده یا نه؟ در حالی که فهمیدن غلظت خون یا افزایش عناصر خون مانند قند و پلاکت و کلسترول و فهمیدن برخی دیگر از ۷ علامت گفته شده به جز با آزمایش ممکن نیست و سوال اینجاست که پس چگونه ما باید خودمان پی به این حالات ببریم و در زمان ائمه چگونه خودشان پی بی این حالات می بردند؟ جواب اینست که: باید حالاتی که به دنبال این ۷ مورد بر انسان غالب می شود را بررسی کرد. مثلا کسی که خورش بسیار آلوده و غلیظ است زمانی می فهمد که به حالت تبیغ رسیده که حالت «خفگی» نیز به او دست دهد به طوری که هر لحظه احتمال سخته داشته باشد. حتی افرادی که سخته می کنند خوب است در اسرع وقت با هر وسیله ممکن از آنها خون خارج شود که بهترین حالتش حجامت است و مطابق با روایت پیش گفته از پیامبر ﷺ نیز می باشد. یا مثلا کسی که مبتلا به «گرفتگی عروق» است چنانچه برخی دیگر از علامات غلظت خون مثل خواب

رفتگی دست و پا نیز دارد اگر چنین شخصی دچار درد قلب شده به حدی که او را خیلی آزار می‌دهد و می‌ترسد جاننش از دست برود این حالت هم جزو حالت‌های تبیغ خون است و باید با هر وسیله‌ای ممکن خون خود را خارج کند که بهتر آنست در موضع مربوط به بیماری باشد. البته باید دقت کرد که این ۷ مورد و آن ۹ موردی که ذکر شد به خودی خود به معنی «تبیغ خون» نیست مگر اینکه شدت پیدا کند و انسان را آزار دهد تا حدی که ترس مرگ بر انسان برود که مثال‌های آن زده شد.

نکته بسیار مهم:

مگر خود معصومین نیز به حالت تبیغ خون دچار نمی‌شدند؟ مگر مزاج آنان در بهترین و حالت نیست؟ و حال آنکه علت‌های تبیغ خون، به معنی اختلال در مزاج آدمی است. و این دو چگونه باهم جمع می‌شود؟

مساله ای که باید دقت کرد اینست که با توجه به اینکه امام رضا علیه السلام در رساله ذهبیه فرمودند که حجامت خون را از مویرگ‌ها می‌گیرد و باتوجه به مجموع روایات مربوط به حجامت این نکته فهمیده می‌شود که با انجام حجامت، تمامی رسوبات و زواید خون که در مویرگ‌ها تجمع کرده تخلیه می‌شود یعنی در واقع حجامت به منزله تخلیه سطل زباله های داخل یک خانه است. حال اگر انسان مرتباً این مویرگ‌ها را در وقت صحیح خود از رسوبات و زواید تخلیه کند موجب تولید خون تازه ای در بدن می‌شود که جایگزین آنست. که در روایات هم به آن اشاره شده که به جهت اختصار از ذکر آن خودداری می‌کنیم. این کار تا جایی پیش می‌رود که بدن به «تولید خون تازه» عادت می‌کند و پس از مدتی که انسان مرتباً

حجامت کرد و مویرگها را از رسوبات و زواید تخلیه نمود دیگر هیچ آلودگی ای در بدن باقی نمی ماند و فقط بدن خون تازه تولید می کند که این حالت تبدیل به یک عادت همیشگی برای بدن می شود و دیگر کار به جایی می رسد که ترس این می رود که از «افزایش خون» انسان بمیرد. یعنی برای بدنها و مزاجهای سالم، تنها چیزی که به معنی تبییخ خون است همان معنی اول یعنی «افزایش بیش از حد خون» است. و این مقتضای مزاج معصومین علیهم السلام است. برای همین است که در روایت ششم گفته شد که امام رضا علیه السلام گاهاً در دل شب حجامت می نمود و یا در روایات مربوط به جمعه نیز گذشت که اصحاب با تعجب از حجامت کردن امام علیه السلام در جمعه می پرسیدند و امام علیه السلام در جواب می فرمودند: که هر گاه خون بر تو چیره شد آیت الکرسی بخوان و در هر زمان حجامت کن. و حتی از امام رضا علیه السلام در حالت احرام نیز در هنگام ظهر جمعه (یعنی در بدترین حالت) دیده شده که حضرت حجامت کردند و همه اینها به خاطر این نکته است که مزاج سالم و معتدل در معرض جدی عادت بدن بر تولید مداوم خون تازه است و باید مرتب از خود، خون خارج کنند و این حالت در بدن، دقیقاً مانند شستن یک ظرف است. تصور کنید که انسان مرتباً یک ظرفی را بشوید خب این مساوی است با تمیزترین و پاکترین حالت برای آن ظرف. و بدن معصومین علیهم السلام هم به همین شکل است و همه بدنها نیز باید با حجامتهای مداوم به این حالت برسند تا جایی که بدن به حجامت کردن عادت کند برای همین است که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: چه عادت خوبی است عادت بر حجامت. البته باید دقت کرد که ائمه علیهم السلام هم مانند بقیه افراد در معرض آسیب رسیدن توسط هوا و آب و غذاها نیز هستند حتی در زمان خودشان که همه چیز سالم بود بالاخره در فرایند تولید یک خوراکی، میکروب و آلودگی نیز وارد آن می شد زیرا که میکروب ها و آلودگی ها در هوا و آب و غذاها سرگرداند و به راحتی وارد بدن می شوند و از آنجا که در یکی از روایات نیز گفته شده خون از غذا تولید می شود، با وجود حتی کوچکترین آلودگی در غذا و خوراکی ها، خون تولید شده از آن هم، آلوده است و این رسوبات و آلودگی ها در کل بدن منتشر می شود و توسط مویرگها که مانند تور ماهی گیری عمل می کنند به دام می افتند و با حجامت از بدن خارج می شوند.

پس حتی بدن معصومین هم نیاز به حجامت دارد تا این آلودگی ها خارج شود اما برای این بزرگواران این آلودگی ها در حدی نیست که باعث بیماری یا بروز علامت های غلبه‌ی دم شود مگر در برخی موارد استثناء که به خاطر در کنار هم قرار گرفتن چند علت دیگر نیز برای ایشان پدید آمده مثلا در روایات آمده پیامبر ﷺ هرگاه در بدنش جوشی نمایان میشد از آن به خدا پناه می‌برد یا مثلا امام کاظم علیه السلام احساس حرارت شدید کرد و حجامت نمود تا برطرف شد. که همه‌ی این حالات برای معصومین تنها و تنها علتش «افزایش خون» است آن هم به خاطر عادت بدنشان بر «تولید مداوم خون تازه» که مقتضای بدن سالم و مزاج معتدل است. و حجامتی که برای خروج آلودگی ها و رسوبات مویرگها در این بزرگواران ذکر شد فقط به عنوان «حجامت پیشگیری» بر ایشان صادق است نه به عنوان «حجامت درمانی»

نتیجه گیری و جمع بندی:

از آنجا که خون موجود در بدن از غذاهای خورده شده تولید می‌شود و هیچ غذایی چه در گذشته و چه در حال از وجود برخی آلودگی ها ناگزیر نیست لذا بدن همه‌ی افراد نیاز جدی به حجامتهای مداوم دارد تا حدی که همه باید مزاجشان به درجه ای برسد که بدنشان عادت بر حجامت کردن پیدا کند و از آن به بعد مرتبا باید حجامت کنند تا از افزایش بیش از حد خون کشته نشوند درست مانند معصومین علیهم السلام. بنابراین حجامت همه مواضع از جمله سر و بین دو کتف و مچ پا و ... برای همه گان توصیه می‌شود تا کل بدنشان از وجود رسوبات و آلودگی های داخل مویرگها پاکسازی بشود به جز حجامت اخدعین و حجامت نقره که فقط برای افراد خاص است. دقت شود برخی افرادی که دارای شرایط خاصی مانند غلبه صفرای شدید یا کم خونی شدید (خصوصا کم خونی سطح بدن) هستند نباید تا رسیدن شرایط مناسب مزاجی و بدنی، حجامت کنند که تشخیص این موارد بر عهده طبیب اسلامی است.

بخش سوم :

آداب حجامت

آداب قبل از حجامت

۱- روایتی از امام رضا علیه السلام :

«لِحِجَامَةٍ بَعْدَ الْأَكْلِ لِأَنَّهُ إِذَا شَبِعَ الرَّجُلُ ثُمَّ احْتَجَمَ اجْتَمَعَ الدَّمُّ
وَ أَخْرَجَ الدَّاءَ وَإِذَا احْتَجَمَ قَبْلَ الْأَكْلِ خَرَجَ الدَّمُّ وَ بَقِيَ الدَّاءُ»^۱

«حجامت، یعنی پس از خوردن. برای اینکه هرگاه انسان سیر باشد و سپس حجامت کند خون جمع شده و بیماری بیرون می رود و هرگاه پیش از خوردن حجامت کند خون بیرون می رود و بیماری باقی می ماند»

۲- روایتی از امام صادق علیه السلام که می فرمایند:

«وَلَا تَحْتَجِمْ حَتَّى تَأْكُلَ شَيْئًا فَإِنَّهُ أَدْرُ لِلْعُرُوقِ وَ أَسْهَلُ لِخُرُوجِهِ
وَ أَقْوَى لِلْبَدَنِ»^۲

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۳

^۲ مکارم الاخلاق، ص ۷۳

«حجامت نکن تا اینکه چیزی بخوری. پس به درستی که این کار برای عروق، ریزاننده تر و برای خارج شدنش آسان تر و برای بدن نیرومند کننده تر است»

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِيَّاكَ وَالْحِجَامَةَ عَلَى الرَّيِّقِ»^۱
«تو و حجامت ناشتا، هرگز»

۴- روایتی از امام باقر علیه السلام که راوی از ایشان درباره حجامت شخص روزه دار می پرسد و حضرت می فرمایند:

«أَكْرَهُ لَهُ ذَلِكَ مَخَافَةَ الْغَشْيِ أَوْ أَنْ يَثْوِرَ بِهِ مِرَّةً فَيَقِيءَ ۚ فَإِنْ لَمْ يَتَخَوَّفْ ذَلِكَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَيَحْتَجِمُ إِنْ شَاءَ»^۲

«این را برای او ناپسند میدانم. به خاطر بیم از بیهوش شدن یا جوشیدن تلخه (صفرا و سودا) بر او، تا جایی که بالا بیاورد. پس اگر

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۳

^۲ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۵

بیم اینها را ندارد پس اشکالی بر او نیست و اگر خواست حجامت کند»

۵- امام موسی کاظم علیه السلام از پدرانش نقل کرده است که:

«كَانَ عَلِيُّ الْكَلْبُ يُكْرَهُ لِلصَّائِمِ أَنْ يَحْتَجِمَ مَخَافَةَ أَنْ يَعْطِشَ فَيُفْطِرَ»^۱

«امام علی علیه السلام برای روزه دار ناپسند میدانست که در حالی که بیم تشنه شدن و سپس افطار کردن (به سبب تشنگی) دارد، حجامت کند»

۶- زید شحام می گوید نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم سپس حجامتگر را خواست و به او فرمودند:

«اغْسِلْ مَحَاجِمَكَ وَ عَلِّقْهَا» وَ دَعَا بِرُمَانَةٍ فَأَكَلَهَا فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ الْحِجَامَةِ دَعَا بِرُمَانَةٍ أُخْرَى فَأَكَلَهَا فَقَالَ «هَذَا يُطْفِئُ الْمِرَارَ»^۲

«لیوانهای حجامت را بشوی و آویزان کن» و یک انار درخواست کرد سپس آن را خورد و چنانچه از حجامت فارغ شد انار دیگری درخواست نمود و سپس آن را خورد و فرمودند: «این کار کیسه صفرا را خاموش می کند»

^۱ راوندی، نوادر، ص ۱۸۲

^۲ مکارم الاخلاق، ص ۷۴

۷- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ احْتَجِمُ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتُ وَ تَصَدَّقُ وَ أَخْرُجُ أَيَّ
يَوْمٍ شِئْتُ»^۱

«آیت الکرسی بخوان و هر روزی که خواستی حجامت کن و صدقه
بده و هر روزی که خواستی بیرون برو»

شرح عبارت:

باتوجه به ادامه روایت که درباره بیرون رفتن از خانه است و باتوجه به اینکه در روایات دیگرمان از بیرون رفتن از خانه در بعضی ایام نهی شده و همچنین با کنار هم قرار دادن همه روایات مربوط به اوقات حجامت در کنار این روایت، نتیجه می شود که منظور امام علیه السلام در این حدیث «حجامت تبیغ» یا «حجامت هیجان خون» همراه با «خوف ضرر» است و لاغیر. چرا که در روایتی دیگر که شخص متعجبانه از امام علیه السلام از حجامتش در جمعه می پرسد، امام علیه السلام در جواب می فرماید: هرگاه خون بر تو هیجان کرد شب بود یا روز، آیت الکرسی بخوان و حجامت کن. پس معلوم می شود منظور این حدیث هم، حجامت در حالت خوف ضرر است.

^۱ کافی، ج ۸، ص ۲۷۳

۸- روایتی از پیامبر اکرم ﷺ :

«فَإِذَا تَبَيَّغَ الدَّمُ بِأَحَدِكُمْ فَلْيَحْتَجِمْ فِي أَيِّ الْأَيَّامِ كَانَ وَلْيَقْرَأْ آيَةَ
الْكُرْسِيِّ وَلْيَسْتَخِرِ اللَّهَ وَيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ»^۱

«پس هرگاه خون بر یکی از شما چیره شد پس باید در هر روزی که
شد حجامت کند ولی باید آیت الکرسی هم بخواند و باید استخاره از
خدا کند و بر پیامبر ﷺ درود بفرستد»

شرح عبارت:

منظور از استخاره در اینجا طلب خیر از خداست نه همان استخاره معروف. زیرا برای
حالت تبیغ حکم عقل و شرع بر انجام حجامت است لذا استخاره معروف جایگاهی ندارد.
و اصلاً معنای واژه‌ی استخاره یعنی طلب خیر از خدا و همین مقدار هم، برای دفع خطرات
«احتمالی» است که ممکن است به سبب روز نامناسب حجامت بر انسان وارد شود.

۹- امام صادق علیه السلام فرمودند:

^۱ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۲۵

«فَأَمَّا نَحْنُ فَحِجَامَتُنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِاللَّيْلِ»^۱

«و اما ما اهل بیت! پس حجامت ما در ماه رمضان، در شب است»

۱۰- در رساله ذهبیه از امام رضا علیه السلام آمده:

«وَيَجِبُ فِي كُلِّ مَا ذَكَرْنَا مِنْ إِخْرَاجِ الدَّمِ اجْتِنَابُ النِّسَاءِ قَبْلَ ذَلِكَ بِاثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَاعَةً وَ يَحْتَجِمُ فِي يَوْمٍ صَاحٍ صَافٍ لَا غَيْمٍ فِيهِ»^۲

«و درباره همه آنچه از بیرون کردن خون گفتیم به اندازه دوازده ساعت قبل از آن دوری از زنان واجب است و در روز آرام و صاف که ابر بارانی و باد تند در آن نباشد حجامت کن»

شرح عبارت:

منظور از ساعت در این حدیث، ساعت امروزی نیست. بلکه هر یک ساعت در اینجا یعنی یک دوازدهم فاصله‌ی از اذان صبح تا اذان مغرب. که در این حدیث دوازده ساعت برابر است با فاصله اذان صبح تا مغرب. مثلاً اگر اذان صبح ساعت ۵ و اذان مغرب ساعت ۱۹ باشد آنگاه فاصله این دو زمان برابر است با ۱۴ ساعت امروزی. که در آن روز با این تایمهای اذان، باید تا ۱۴ ساعت قبل از حجامت از همبستری با زنان پرهیز کرد.

^۱ مکارم الاخلاق، ص ۷۳

^۲ رساله ذهبیه، ص ۵۴

۱۱- نوفلی میگوید:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَفِي يَدِهِ رُمَانَةٌ فَقَالَ «يَا مُعْتَبُ
أَعْطِهِ رُمَانًا فَإِنِّي لَمْ أَشْرِكْ فِي شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَشْرَكَ
فِي رُمَانَةٍ» ثُمَّ احْتَجَمَ وَآمَرَني أَنْ احْتَجِمَ فَاحْتَجَمْتُ ثُمَّ دَعَا لِي
بِرُمَانَةٍ وَأَخَذَ رُمَانَةً أُخْرَى^۱

بر امام صادق عليه السلام وارد شدم در حالی که در دستش اناری بود سپس
فرمودند «ای معتب! به او اناری بده. زیرا که من شریک نشده ام در
چیزی که برایم از شریک شدن در انار منفورتر باشد» سپس حجamt
نمود و مرا نیز امر کرد که حجamt کنم. پس حجamt کردم سپس
(مجددا) انار برایم درخواست کرد و خودش انار دیگری را گرفت.

۱۲- روایت امام باقر عليه السلام که فرمودند:

«إِذَا احتَاجَ الْمُحْرِمُ إِلَى الْحِجَامَةِ فَلْيَحْجَمْ وَ لَا يَخْلُقْ مَوَاضِعَ
الْمَحَاجِمِ»^۲

«مُحْرِم (کسی که در حال احرام حج است) هرگاه به حجamt نیاز پیدا
کرد پس باید حجamt کند اما نباید جایگاه های لیوانهای حجamt را
بتراشد»

^۱ کافی، ج ۶، ص ۳۵۳^۲ المصدر، ج ۱، ص ۳۰۴

شرح عبارت:

همین حدیث نشان می‌دهد که تراشیدن جایگاه حجامت امری رایج بوده. و امروز با تجربه فهمیده ایم که وجود مو در زیر لیوان حجامت موجب ورود هوا در لیوان می‌شود و کار مکش را سخت می‌کند. اما شخص مُحرم که به خاطر تبیغ خون یا به خاطر هیجان خون همراه با خوف ضرر، فقط نیازمند ریختن خون است لزومی ندارد تا موهای موضع را بتراشد چرا که هدف اصلی خود ریختن خون است که حتی بدون مکش و یا با مکش کم هم صورت می‌گیرد.

۱۳- امام رضا علیه السلام فرمودند:

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَامَةَ فَاجْلِسْ بَيْنَ يَدَيِ الْحَجَّامِ وَأَنْتَ مُتَرَبِّعٌ وَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ وَأَعْلَالٍ وَأَمْرَاضٍ وَأَسْقَامٍ وَأَوْجَاعٍ وَأَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ»^۱

«هرگاه اراده حجامت کردی پس در حالت چهارزانو پیش حجامتگر بنشین و بگو: به نام خدای همه بخش بخشاینده. در حجامت از چشم زخم در خون و از هر بدی و از عارضه‌ها و بیماری‌ها و بدحالی‌ها و دردها به خدای کریم پناه میبرم. و از تو عافیت و تندرستی و شفای از هر بیماری را خواستارم»

^۱ فقه الرضا، ص ۳۹۴

نتیجه گیری و جمع بندی:

باتوجه به روایات فوق، آدابی که باید قبل از حجامت رعایت شود به ترتیب موارد زیر است:

- (۱) به اندازه فاصله اذان صبح تا اذان مغرب که برابر با دوازده ساعت شرعی است، قبل از حجامت، از همبستری با زنان پرهیز شود.
- (۲) حجامت در حالت سیری باشد و از حجامت ناشتا پرهیز شود.
- (۳) هوا خراب نباشد. یعنی ابر بارانی در آسمان نباشد و باد تند هم نوزد.
- (۴) در ماه رمضان شبها پس از افطار حجامت شود و در حالت روزه حجامت نشود، مگر اینکه شخص از دچار نشدن به غلبه صفرا و استفراغ و تشنگی، مطمئن باشد.
- (۵) شخص حجامت شونده چهار زانو بنشیند و همان لحظه دعای حجامت را بخواند.
- (۶) لیوان های حجامت باید شسته و خشک شده باشد.
- (۷) حجامت شونده قبل از حجامت آیت الکرسی بخواند، از خدا طلب خیر کند و بر پیامبر ﷺ صلواتی بفرستد.
- (۸) قبل و بعد از حجامت، بدون فاصله زمانی یک انار کامل خورده شود که پیشگیری کننده از هیجان مره (صفرا و سودا) است.
- (۹) موهای موضع حجامت باید توسط حجامتگر، تراشیده شود.

آداب پس از حجامت

۱- معتب (غلام امام کاظم علیه السلام) می گوید:

قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَوْمًا « يَا مُعْتَبُ اطْلُبْ لَنَا حَيْثَانَا طَرِيَّةً
فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُحْتَجِمَ فَطَلَبْتُهَا » لَهُ فَاتَيْتُهُ بِهَا فَقَالَ « لِي يَا مُعْتَبُ
سَكِبْجٍ لِي شَطْرَهَا وَاشْوِ لِي شَطْرَهَا » قَالَ فَتَغَدَّى مِنْهَا أَبُو
الْحَسَنِ عليه السلام وَتَعَشَّى^۱

روزی امام کاظم علیه السلام به من فرمودند: «ای معتب! برای ما ماهی تازه
بخواه. زیرا که من می خواهم که حجامت کنم پس آن را خواستم»
پس به خاطر ایشان، با ماهی تازه نزدش آمدم. سپس فرمودند: «ای
معتب! تکه ای از آن را برایم آش سرکه درست کن و تکه ای دیگرش
را بریان کن» پس امام کاظم علیه السلام از آن هم صبحانه خورد و هم شام.

شرح عبارت:

از آنجا که در یکی از روایات دیگر درباره حجامتِ امام کاظم علیه السلام آمده که حضرت
برای درمان حرارت شدیدشان (یعنی تب)، چهارشنبه حجامت نمودند ولی حرارتشان خوب
نشد و سپس مجدداً جمعه حجامت کردند و حرارتشان خوب شد لذا فهمیده می شود که امام
کاظم علیه السلام در شرایط اقلیمی و مزاجی ای قرار داشتند که صفرا و دم باهم بر انسان غالب

^۱ کافی، ج ۶، ص ۳۲۳

می‌شده. زیرا حرارت سطح بدن از دم، و حرارت درون بدن از صفراست و هرگاه این دو باهم جمع شود از آن تعبیر به «تب» می‌شود و این تب با تب رایجی که شناخته شده است فرق می‌کند. اما از آنجا که در تکمله بخش دوم گفته شد که علت تبیغ خون بر بدن معصومین، «افزایش مقدار خون» است و ائمه علیهم‌السلام غیر از «حالت تبیغ»، یا «هیجان خون» همراه با «یقین به دچار شدن به تبیغ»، در جمعه حجامت نمی‌کردند لذا قطعاً یکی از عوامل «تب» برای امام کاظم علیه‌السلام، افزایش دم است اما دم تنها موجب تب نمی‌شود بلکه اگر صفرا با آن جمع شود «تب» ایجاد می‌کند که به معنی حرارت شدید درون و بیرون بدن است و با تب رایج متفاوت است. لذا بر طبق این حدیث و حدیث حجامت امام علیه‌السلام به خاطر تب، و طبق حدیث بعدی، افرادی که «مبتلا» یا «مستعد» به غلبه دم و صفرا باهم هستند باید در آن روزی که حجامت می‌کنند صبحانه شان آتش سرکه با گوشت ماهی و شامشان کباب ماهی باشد.

۲- حمیری میگوید به امام حسن عسکری علیه‌السلام نامه نوشتم و گله کردم که هم صفرا و هم دم با من است. پس چنانچه حجامت کنم صفرا به هیجان در می‌آید و چنانچه به تاخیر بیندازم خون به من آسیب می‌زند پس در این حالت چه کنم؟ پس امام علیه‌السلام به من نامه نوشت:

«اَحْتَجِّمْ وَ كُلْ عَلَى اَثَرِ الْحِجَامَةِ سَمَكًا طَرِيًّا كَبَابًا»^۱

«حجامت کن و پس از اثرگذاری حجامت (بر غلبه دم) ماهی تازه‌ی

کباب شده بخور»

^۱ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴

شرح عبارت:

این حدیث قبل از هر چیز ثابت کننده‌ی ادعای ما در ذیل حدیث قبل است که خوردن ماهی در کنار حجامت به خاطر درمان حالتی است که دم و صفرا با هم غالب می‌شود اما چون مزاج انمهی معصوم معتدل است لذا امام کاظم علیه السلام برای پیشگیری از غلبه دم و صفرا در کنار حجامت ماهی می‌خورند ولی در این حدیث این شخص برای درمان خودش باید از ماهی هم در کنار حجامت استفاده کند. لذا باید ماهی خوردنش را تا زمانی که حجامت بر درمان غلبه‌ی دمش تاثیر بگذارد، به تاخیر بیندازد. از آنجا که اثر حجامت بر درمان غلبه‌ی دم اثر زود هنگام است لذا نباید خوردن ماهی پس از حجامت در چنین افرادی خیلی به تاخیر بیفتد. بنابراین بهتر است این افراد عصرها در آخر روز حجامت کنند که شام شبشان ماهی تازه باشد و اگر به سبب حجامت صفرایشان دیر غالب می‌شود و تاثیر حجامت بر درمان دمشان دیر هنگام است صبح پس از صبحانه حجامت کنند و شام شبشان ماهی تازه باشد. زیرا طبق دستور امام علیه السلام، خوردن ماهی باید پس از تاثیر حجامت باشد.

۳- توضیح طولانی آداب پس از حجامت در رساله ذهبیه از امام رضا علیه السلام:

«...يُكَلِّفُ الْمَشْرَطُ وَالْمُبْضَعُ بِالذَّهْنِ عِنْدَ الْحِجَامَةِ وَ عِنْدَ الْفَرَاغِ مِنْهَا يَلْبَسُ الْمَوْضِعَ بِالذَّهْنِ... وَ لَا تَدْخُلُ يَوْمَكَ ذَلِكَ الْحَمَامَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الدَّاءَ وَ صَبَّ عَلَى رَأْسِكَ وَ جَسَدِكَ الْمَاءَ الْحَارَّ وَ لَا تَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْ سَاعَتِكَ. وَ إِيَّاكَ وَ الْحَمَامَ إِذَا احْتَجَمْتَ فَإِنَّ الْحُمَى الدَّائِمَةَ يَكُونُ فِيهِ فَإِذَا اغْتَسَلْتَ مِنَ الْحِجَامَةِ فَخُذْ خِرْقَةً مَرْعَزَى فَأَلْقِهَا عَلَى مُحَاجِمِكَ أَوْ ثَوْبًا لَيْنًا مِنْ قَزٍّ أَوْ غَيْرِهِ وَ خُذْ قَدْرَ

حَمَصَهُ مِنَ التَّرْيَاقِ الْأَكْبَرِ وَ اشْرَبَهُ إِنْ كَانَ شِتَاءً وَإِنْ كَانَ صَيْفًا
 فَاشْرَبِ السَّكَنْجَبِينَ الْعُنْصَلِيَّ وَ امزجْهُ بِالشَّرَابِ الْمَفْرَحِ
 الْمُعْتَدِلِ وَ تَنَاوَلْهُ أَوْ بِشَرَابِ الْفَاكِهَةِ. وَ إِنْ تَعَذَّرَ ذَلِكَ فَشَرَابُ
 الْأَتْرُجِّ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَتَنَاوَلْهُ بَعْدَ عَرِكِهِ نَاعِمًا تَحْتَ
 الْأُسْنَانِ وَ اشْرَبْ عَلَيْهِ جُرْعَ مَاءٍ فَاتِرٍ. وَ إِنْ كَانَ فِي زَمَانِ الشِّتَاءِ
 وَ الْبَرْدِ فَاشْرَبْ عَلَيْهِ السَّكَنْجَبِينَ الْعُنْصَلِيَّ الْعَسَلِيَّ فَإِنَّكَ مَتَى
 فَعَلْتَ ذَلِكَ أَمِنْتَ مِنَ اللَّقْوَةِ وَ الْبَرَصِ وَ الْبَهَقِ وَ الْجَذَامِ بِإِذْنِ اللَّهِ
 تَعَالَى وَ اَمْتَصَّ مِنَ الرَّمَّانِ الْمُرِّ فَإِنَّهُ يُقَوِّي النَّفْسَ وَ يُحْيِي الدَّمَ وَ
 لَا تَأْكُلْ طَعَامًا مَالِحًا بَعْدَ ذَلِكَ بِثَلَاثِ سَاعَاتٍ فَإِنَّهُ يُخَافُ أَنْ
 يَعْرِضَ مِنْ ذَلِكَ الْجَرَبُ. وَ إِنْ كَانَ شِتَاءً فَكُلْ مِنَ الطَّبَاهِيحِ إِذَا
 احْتَجَمْتَ وَ اشْرَبْ عَلَيْهِ مِنَ الشَّرَابِ الْمَذَكِّي الَّذِي ذَكَرْتَهُ أَوَّلًا وَ
 ادَّهِنْ بِدُهْنِ الْخَيْرِيِّ أَوْ شَيْءٍ مِنَ الْمَسْكِ وَ مَاءِ وَرْدٍ وَ صَبَّ مِنْهُ
 عَلَى هَامَتِكَ سَاعَةً فَرَاغَكَ مِنَ الْحِجَامَةِ. وَ أَمَّا فِي الصَّيْفِ فَإِذَا
 احْتَجَمْتَ فَكُلِ السَّكْبَاجَ وَ الْهَلَامَ وَ الْمَصُوصَ أَيْضًا وَ الْحَامِضَ وَ
 صَبَّ عَلَى هَامَتِكَ دُهْنَ الْبَنْفَسَجِ بِمَاءِ الْوَرْدِ وَ شَيْءٍ مِنَ الْكَافُورِ
 وَ اشْرَبْ ذَلِكَ الشَّرَابَ الَّذِي وَصَفْتُهُ لَكَ بَعْدَ طَعَامِكَ وَ إِيَّاكَ وَ
 كَثْرَةَ الْحَرَكَةِ وَ الْغَضَبِ وَ مُجَامَعَةِ النِّسَاءِ لِيَوْمِكَ»^۱

«... و ابزار تیغ زدن و ابزار بریدن هنگام حجامت، با روغن نرم شود و
 جایگاه حجامت هنگام فارغ شدن از آن، با روغن نرم شود... و در آن
 روزت (که حجامت می کنی) درون حمام نرو زیرا که اینکار بیماری
 می آورد. و بر سرت و بدنت آب داغ بریز ولی این کار را از همان
 ساعت (که حجامت کردی) انجام مده. و مبادا تو و حمام کردن،

^۱ رساله ذهبیه، ص ۵۴

زمانی که حجامت کردی. زیرا که همانا تب همیشگی در اینکار است. پس هرگاه (موضع را) از حجامت شستی پس پارچه ای پشمی یا دستمالی نرم از جنس پنبه یا غیر آن بگیر و آن را روی محل های حجامت بگذار. و اگر زمستان است، به اندازه یک نخود از تریاک اکبر بگیر و آن را بنوش. و اگر تابستان است پس سکنجبین عنصلی بنوش و آن را با نوشابِ شاد کننده ی معتدلی (که ذکر شد) یا با نوشابِ میوه ها هم بزن و تناول کن. و اگر از انجام آن ناتوان بودی پس نوشابِ ترنج (پرتقال یا لیمو) بنوش و اگر چیزی از آن را نیافتی پس آن را (یعنی تریاک اکبر را) بعد از اینکه زیر دندانهایت خوب جویدی، تناول کن و پشت سرش چند جرعه آب جوش بنوش. و اگر در زمستان یا سرما بودی پس پشت سر تریاک اکبر، سکنجبین عنصلی عسلی بنوش زیرا که همانا هر وقت، تو این کار را انجام دهی، از فلجی صورت و پیسی و سفیدک و خوره به اذن خدای بلند مرتبه در امانی. و از انار ترش بِمک، پس به درستی که این کار، نفس را نیرومند و خون را زنده می کند و پس از آن تا سه ساعت غذای نمک سود نخور زیرا که همانا این کار، بیم این می رود، که از آن گری عارض شود. و اگر زمستان بود پس هرگاه حجامت کردی از گوشت پرندگان بخور و پشت سرش (یعنی پس از خوردن گوشت پرندگان) از نوشابِ پاک کننده ای که ابتدا ذکرش کردم، بنوش و در آن ساعتِ فارغ شدنت از حجامت، با روغن خیری یا اندکی از مشک و گلاب، ماساژ ده و از آن بر سرت بریز. و اما در تابستان پس هرگاه حجامت کردی پس، علاوه بر گوشت پرندگان، از آش سرکه و هَلام و مَصُوص و یک چیز ترش نیز بخور. و بر سرت روغن بنفشه با گلاب و مقداری از کافور بریز و آن نوشابی که برای تو وصفش کردم را بعد از غذایت بنوش. و

مبادا تو و جنبش زیاد و خشم و همبستری زنان، برای همان روزت (که حجامت میکنی)»

شرح عبارات:

نکته اول: منظور از حمام در اینجا همان حمام های مخصوص زمان خود ائمه است و حمام های امروزی مصداق آن نیست لذا ورود در حمام های امروزی پیش از حجامت یا پس از آن ضرری ندارد.

نکته دوم: ساعت در اینجا یعنی فاصله اذان صبح تا اذن مغرب را بر ۱۲ تقسیم کنیم.

نکته سوم: نباید در همان ساعتی که حجامت می شود، بر سر و بدن آب داغ ریخت. بلکه باید در یک ساعت قبل از حجامت این کار را انجام داد تا خون به سطح بدن بیاید و اثر حجامت در درمان، تام باشد. که ظاهراً منظور از بدن، موضع حجامت است اما پس از حجامت نباید بدن در معرض گرمای شدید قرار گیرد زیرا بدن خون از دست داده و در صدد تولید خون تازه است و قرارگرفتن در حرارت زیاد موجب «تبیح» و «هیجان خون» بر بدن می شود برای همین از حمام رفتن منع شده اما پس از گذشت یک ساعت از حجامت می توان بر سر و بدن آب داغ ریخت. البته ریختن روغنهای مختلف یا ترکیبهای مختلفی که ذکر شد، در فصلهای مختلف، بر سر، نیز باید پس از گذر یک ساعت از حجامت صورت گیرد. (منظور همین ساعتی است که در نکته دوم ذکر شد و با ساعات امروزی فرق می کند)

اما منظور از اینکه در ابتدا فرمودند «در آن روز درون حمام نرو» حمام رفتن پیش از حجامت است. یعنی در آن روزی که میخواهی حجامت کنی حمام نرو. اما احتمال منع حمام پس از حجامت نیز وجود دارد که به خاطر همین در ادامه روایت می فرمایند: مبادا تو

و حمام کردن «زمانی که حجامت کردی» و با این حرف این احتمال را تبدیل به یقین می‌کند که پس از حجامت هم نباید در آن روز حمام رفت.

نکته چهارم: پس از اتمام خونگیری باید خوب خونهای موضع را پاک کنیم و سپس برای چند دقیقه با روغن آنقدر ماساژ دهیم تا نرم شود که در فصل زمستان از روغن خیری یا ترکیب مشک و گلاب استفاده شود و در تابستان از ترکیب روغن بنفشه و کافور و گلاب و اگر اینها ممکن نبود با روغن های رایج پوست مثل روغن زیتون. (دقت شود که حدودا تا ۲۴ ساعت از محل های بریدگی اندکی خون می آید که طبیعی است) سپس باید موضع را با پنبه یا دستمال یا گاز خیس بشویم و یا اینکه کاسه ای زیر موضع حجامت گذاشته و از بالا روی موضع را آب بکشیم تا آبهای شسته شده درون کاسه بریزد و باقی بدن را نجس نکند. سپس پس از شستن موضع، با پارچه ابریشمی یا پشمی یا تکه دستمالی نرم و یا پنبه موضع را پانسمان می‌کنیم. می‌توان برای بهبود سریعتر جای حجامت، پس از شستن موضع، روی آن عسل ریخت و سپس پانسمان انجام داد.

نکته پنجم: کسانی که می‌خواهند از پیسی و فلجی صورت و بهق و خوره در امان باشند یا اگر دچار اینها هستند می‌خواهند مانع پیشرفتش بشوند، باید پس از حجامت از داروی تریاک اکبر، به اندازه یک نخود با آب بنوشند و اگر در تابستان حجامت شدند، باید ابتدا سکنجبین عنصلی بنوشند و سپس تریاک اکبر را با نوشاب شاد کننده (یعنی شربت معروف امام رضا علیه السلام) یا با نوشاب میوه ها ترکیب کرده و بخورند. و اگر نتوانستند نوشاب میوه پیدا کنند باید از نوشاب ترنج استفاده کنند و تریاک اکبر را با آن بنوشند. اما اگر نه نوشاب معروف امام رضا علیه السلام و نه نوشاب میوه ها هیچ یک موجود نبود باید تریاک اکبر را خوب با دندان بجوند و سپس رویش چند جرعه آب جوشیده ای که حرارتش قابل تحمل شده، بنوشند. اما اگر در زمستان بود یا هوا سرد بود باید پس از نوشیدن تریاک اکبر، سکنجبین عنصلی عسلی هم بنوشند. و اما کسانی که بی حال و کسل هستند و یا خونشان مرده و بی حرکت شده یا عناصر

آن از کار افتاده، مکیدن انار ترش پس از حجامت برای آنها در همه فصول سال توصیه می‌شود.

نکته ششم: اما غذاهایی که ذکر شد منظور، اولین وعده غذایی پس از حجامت است نه اینکه بلافاصله پس از حجامت این غذاها را بخوریم. پس اگر در شبهای ماه رمضان پس از افطار حجامت کردیم منظور از غذاها وعده سحری است و اگر در روز پس از صبحانه (چه صبح و چه عصر) حجامت کردیم، منظور وعده شام است. و برای کسانی که حجامت تبیغ کردند، منظور اولین وعده پس از حجامت است.

نکته هفتم: حمام، خشم، تحرک و جنبش زیاد و همبستری با زنان در روزی که حجامت انجام می‌شود ممنوع است چه قبل از حجامت و چه پس از آن. برای محاسبه روز اگر قبل از اذان ظهر حجامت صورت گرفته، این امور تا اذان صبح فردایش ممنوع است و اگر بعد از ظهر حجامت صورت گرفته همه این امور تا اذان ظهر فردایش ممنوع است و همچنین اگر در ماه رمضان پس از اذان مغرب حجامت انجام شده تا اذان مغرب فردا این امور ممنوع است.

۴- امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا احْتَجَمَ هَاجَ بِهِ الدَّمُ وَ تَبَيَّغَ فَأَغْتَسَلَ بِالْمَاءِ
الْبَارِدِ لِيَسْكُنَ عَنْهُ حَرَارَةُ الدَّمِ»^۱

«همانا پیامبر ﷺ هرگاه که حجامت میکرد و خون بر او هیجان مینمود و چیره میشد، همیشه (در چنین حالتی) با آب سرد شستشو میداد برای اینکه حرارت خون از او آرام گیرد»

شرح عبارت:

باتوجه به اینکه مزاج معصومین معتدل است و بدنشان بلافاصله پس از خروج خون، شروع به تولید خون تازه می کند لذا اثر حرارت خون تازه که پس از خروج خون قبلی به سطح بدن پمپاژ می شود بلافاصله نمایان شده و به سبب آن احساس حرارتی در سطح بدن معصومین ایجاد می شود که آن را با آب سرد تسکین می دهند حال چه این شستن به معنی شستن موضع حجامت باشد و چه به معنی شستن کل بدن باشد.

۵- امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

«كُلِّ الرُّمَّانَ بَعْدَ الْحِجَامَةِ رُمَّانًا حُلُوًّا فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ الدَّمَ وَ يُصَفِّي الدَّمَ فِي الْجَوْفِ»^۱

«پس از حجامت انار بخور. انار شیرین. زیرا که همانا آن خون را آرام می کند و خون درون بدن را پاکسازی می کند»

^۱ طب الائمه، ص ۵۹

شرح عبارت:

بنابر این روایت، همه کسانی که پس از حجامت دچار هیجان خون می‌شوند باید پس از حجامت انار شیرین بخورند چه اینکه در روایت مربوط به آداب قبل از حجامت آمد که امام صادق علیه السلام هم قبل و هم بعد از حجامت انار میل نمودند و به اصحابشان هم امر به خوردن انار کردند. اما خودشان خوردند چون اقتضای مزاجشان اینست که بلافاصله پس از حجامت خونشان به هیجان در می‌آید و اما به اصحاب امر کردند تا پیشگیری کننده از هیجان خون و پاک کننده‌ی خون درونشان باشد. پس از آن جهت که این کار، خون درون بدن را پاکسازی می‌کند و خون همه بدن‌ها خصوصا بدن‌های امروزی آلوده است لذا به همگی توصیه جدی می‌شود تا پس از حجامت انار شیرین بخورند.

۶- زراره میگوید که همانا امام صادق علیه السلام حجامت نمود و فرمودند:

«يَا جَارِيَةُ هَلُمِّي ثَلَاثَ سَكْرَاتٍ ثُمَّ قَالَ إِنَّ السَّكْرَ بَعْدَ الْحِجَامَةِ
يُورِدُ الدَّمَ الصَّافِيَ وَيَقْطَعُ الْحَرَارَةَ»^۱

«ای کنیز! سه تکه شکر برایم بیاور. همانا شکر بعد از حجامت خون
پاکیزه وارد می‌کند و حرارت را قطع می‌کند»

شرح عبارت:

^۱ بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۱۲۳ - مکارم الاخلاق، ص ۷۴

همانطور که گفته شد علت ایجاد حرارت در بدن معصومین همان تولید مجدد خون تازه و پمپاژ سریع آن به سطح بدن است و دلیل خوردن شکر بعد از حجامت توسط امام علیه السلام در این روایت، همان قطع حرارتی است که به مقتضای مزاج معتدلشان و به سبب پمپاژ سریع خون به سطح بدن، ایجاد می‌شود. اما درباره ورود خون پاکیزه دو علت است:

۱- مردم هم ترغیب به این کار بشوند.

۲- باید جایگزین خون دارای آلودگی، خون پاکیزه باشد.

پیشتر گفتیم حتی بدن معصومین هم ناگزیر از مقدار اندکی آلودگی که در غذاها و به تبع آن در خون تولید شده از غذاها وجود دارد، نیست. پس این جمله به این معنی نیست که خون ایشان آلوده است بلکه به این معنی است که مقدار اندکی آلودگی دارد که آن هم به خاطر وجود آلودگی های سرگردان در هوا و آب و خوراک است که هیچ کسی ناگزیر از آن نیست.

باید دقت شود که در برخی نقل های دیگر، آخر روایت اینطور آمده: «خون تازه را بر می‌گرداند و بر نیرومندی می‌افزاید» در هر حال خوردن شکر پس از حجامت عالی است که البته منظور شکر نی‌شکر است.

۷- در رساله ذهبیه از امام رضا علیه السلام آمده:

«وَلْيُخْرِجْ مِنَ الدَّمِ بِقَدَرٍ مَا يَرَى مِنْ تَغْيِيرِهِ»^۱

«و باید از خون به اندازه ای خارج کند که دگرگونی اش را ببیند»

^۱ رساله ذهبیه، ص ۵۴

جمع بندی و نتیجه گیری:

باتوجه به روایات پیش گفته، اموری که باید پس از حجامت رعایت شود به ترتیب زیر است که مورد دوم درباره حین حجامت است که به آداب پس از حجامت ملحق کردیم:

(۱) در روز حجامت نباید حمام رفت هم قبل و هم بعد از حجامت که منظور حمام های داغ قدیم است.

(۲) حجامتگر خون کشیدن را تا جایی ادامه دهد که خون تغییر کند یعنی رقیق شود یا رنگش روشن شود.

(۳) پس از اتمام خون گیری، خونهای موضع خوب پاک شود و سپس در زمستان با روغن خیری و در تابستان با روغن بنفشه و یا کلا با روغن زیتون برای چند دقیقه موضع خوب ماساژ داده شود تا نرم شود.

(۴) پس از ماساژ موضع با روغن، باید موضع شسته شود. با آبی که نه سرد باشد نه گرم یعنی آب هم دمای اتاق. به این شکل که یک کاسه ای زیر موضع گذاشته و از بالا آن را آب می کشید.

(۵) پس از شستن موضع باید آن را خشک کرده و سپس با پارچه ای ابریشمی یا پشمی یا دستمالی نرم یا پنبه پانسمان کنیم که پیشنهاد ما پنبه های طبیعی است و سپس میتوانید روی پنبه گاز استریل و چسب بزنید. بهتر است برای زودتر ترمیم شدن پوست، زیر پنبه روی موضع عسل بگذارید.

(۶) تا یک ساعت پس از حجامت باید از ریختن آب داغ بر سر و بدن پرهیز کرد. اما ترکیبات مخصوص فصلها در ساعتی که حجامت تمام می شود، بر سر ریخته شود. پس در زمستان ترکیب گلاب و مشک و در تابستان ترکیب روغن بنفشه و گلاب و کافور را در همان ساعت اتمام حجامت بر سر بریزید. و یا به جای این دو، آب داغ را یک ساعت پس از اتمام حجامت بر سر و بدن بریزید.

(۷) تا سه اذان بعد از حجامت، باید از رفتن به حمام و همبستری با زنان و خشم و جنبش زیاد و فعالیت های سنگین پرهیز کرد.

(۸) خوردن یک عدد انار شیرین کامل بلافاصله پس از حجامت برای همه توصیه جدی می شود.

(۹) کسانی که دچار کسالت و رکود و مردگی خون هستند بعد از حجامت انار ترش را آب لمو کرده و بمکنند.

(۱۰) کسانی که پس از حجامت ضعف می کنند و کسانی که خون بدنشان آلوده است بلافاصله پس از حجامت، سه تکه شکر نی شکر بخورند.

(۱۱) کسانی که مستعد و یا مبتلا به فلجی صورت، پیسی، بهق، و خوره هستند باید بلافاصله پس از حجامت، در تابستان ابتدا سکنجبین عنصلی بنوشند و سپس بلافاصله ترکیب تریاک اکبر با نوشاب امام رضا علیه السلام یا با نوشاب میوه ها یا با نوشاب ترنج را میل کنند. و اگر هیچ کدام از این نوشابها نبود، تریاک اکبر را در دهان بجوند و روی آن چند جرعه آب جوش بنوشند. و در زمستان یا هوای سرد ابتدا تریاک اکبر را با آب بنوشند و سپس بلافاصله سکنجبین عنصلی عسلی هم بنوشند.

(۱۲) تا سه ساعت پس از حجامت باید از خوردن غذاهای نمک سود دوری کرد ولی خوردن غذای کم نمک اشکالی ندارد.

(۱۳) برای افراد مبتلا به دم و صفرا باهم، باید اولین وعده غذایی پس از حجامت، ماهی تازه‌ی کباب شده باشد. اما دقت کنند چنانچه زودتر از زمان رسیدن آن وعده‌ی غذایی، غلبه دمشان بهبود یافت باید در همان وقت بهیودی، ماهی کباب شده را بخورند.

(۱۴) اما عموم افراد، اولین وعده غذایی شان پس از حجامت، گوشت پرنندگان باشد و بلافاصله پس از آن نوشاب امام رضا علیه السلام را بنوشند ولی در تابستان درکنار گوشت پرنندگان، آش سرکه یا هلام یا مصوص به علاوه یک چیز ترش مثل لیمو ترش نیز بخورند و سپس از آن نوشاب معروف بنوشند. (هلام: گوشت گوساله‌ی پخته شده همراه سبزیجات که سرکه بعداً به آن اضافه می‌شود. مصوص: کباب گوشت کبک یا خروس که در سرکه خیسانده شده مانند نمکین کردن بلال)

(۱۵) افرادی که پس از حجامت احساس حرارت شدید در سطح بدن می‌کنند باید روی بدن خود آب سرد بریزند و محل حجامتشان را پس از روغن مالی با آب سرد بشویند.

بخش چهارم :

شیوه انجام حجامت اسلامی

ابتدا با یک روایت از امام علی علیه السلام کامل ترین و دقیق ترین معنای کلمه «حجامت» را بیان می کنیم:

حَمَزَةُ بْنُ الطَّيَّارِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام فَرَأَنِي أَتَاوُهُ فَقَالَ «مَا لَكَ» قُلْتُ ضِرْسِي فَقَالَ «اِحْتَجِمْ» فَاحْتَجَمْتُ فَسَكَنَ فَأَعْلَمْتُهُ فَقَالَ لِي «مَا تَدَاوَى النَّاسُ بِشَيْءٍ خَيْرٍ مِنْ مَصِّهِ دَمٍ أَوْ مُزَعَةٍ عَسَلٍ»^۱

حمزه پسر طیار میگوید: نزد امام امیرالمومنین علیه السلام نشسته بودم پس مرا دید که ناله میکنم سپس فرمودند: «تو را چه شده؟». گفتم: دندانم. سپس فرمودند: «حجامت کن» پس من حجامت کردم و درد آرام شد. سپس او را با خبر کردم. پس به من فرمودند: «مردم خود را با هیچ چیزی بهتر از مکیدن خون یا چشیدن عسل، درمان نکرده اند»

شرح عبارت:

در این روایت، امیرالمومنین علیه السلام حجامت را به «مکیدن خون» ترجمه کردند. و این کاملترین معنای حجامت و ترجمه آن به زبان فارسی است که تمام معنای اصطلاحی حجامت را نیز در خود دارد. بنابراین حجامت، یعنی «خون کشیدن» یا «خون مکیدن». که این معنا با آنچه که در بخش اول در بررسی لغات گفتیم کاملاً منطبق است زیرا معنای لغوی

^۱ کافی، ج ۱۵، ص ۴۶۴

واژه خود حجامت، یعنی مکش. و حجامت به معنای اصطلاحی یعنی مکش و کشیدن «خون».

بنابراین هر آنچه که در بررسی روایات مربوط به شیوه حجامت دیده می شود را بایستی با ملاک قرار دادن این معنا تفسیر کرد.

ابزار حجامت

ابتدا روایات مربوطه را ذکر می‌کنیم و سپس به شرح ابزار آن می‌پردازیم:

۱- امام صادق علیه السلام در حین حجامت به غلامشان فرمودند:

«يَا زَيْنَجَ اشْدُدْ قَصَبَ الْمَلَاظِمِ وَ اجْعَلْ مَصَّكَ رَخِيًّا وَ اجْعَلْ
شَرْطَكَ زَحْفًا»^۱

«ای زینج! لوله های باریک لیوانها را سفت ببند و مکشت را شل
انجام بده و تیغ زدنت را مانند خزیدن قرار بده»

شرح عبارت:

باتوجه به متن روایت نکات زیر برداشت می‌شود:

نکته مهم: در اینجا به جای کلمه «محاجم» از «ملازم» استفاده شده. باتوجه به کتب لغت معنای لغوی ملازم یعنی گیره یا منگنه. و منظور هرچیزی است که چیز دیگر را بگیرد. و وجه شبه «محاجم» به «ملازم»، همین گرفتن پوست است که با مکش، ایجاد می‌شود.

^۱ الخصال، ص ۳۸۹

نکته دوم: همانطور که در بخش اول گفته شد، در زمان ائمه، همانطور که برای ریختن نوشیدنی ها از «قاروره» به عنوان ظرف آن استفاده می کردند برای حجامت هم قاروره ای جداگانه داشتند (قال الازهری: المحجمة قارورته). اضافه ی «قاروره» به «ه» بیانگر ملکیت است یعنی «قارورۃٌ للحجامة».

اما درباره قاروره این نکته باید دقت شود که قاروره دارای انتهایی بزرگ و وسیع است که سر دراز و باریکی دارد و معمولاً برای بستن سر آن از چوب پنبه های طبیعی استفاده می کنند.

نکته سوم: واژه «قصب» در اصل به معنای «نی نیشکر» است. اما عرب به استخوان های باریکی که دارای فضای تو خالی است ولی داخلش از مواد مغزی استخوانی پر است نیز قصب میگوید.

شواهد از کتب لغت:

الف) النهایه ابن اثیر:

۱- القصب من العظام کل عظم اجوف فیه مخ. واحدته قصبه. (قصب از

استخوان یعنی هر استخوان تو خالی که در آن مغز است)

۲) القصب: المعی جمعه اقصاب (قصب یعنی روده و جمع آن «اقصاب»

است)

۳) و القصب یرید بها ساعدیه و ساقیه (و اما «قصب»). از آن معنای دو ساعد

و دو ساق اراده شده است)

ب) مجمع البحرين:

(۱) القصب العظام التي في الجوف التي فيها مخ نحو الساق (قصب استخوانهایی

است که در درون است و در آن مغز وجود دارد مانند ساق)

(۲) قصبۃ الانف عظمه (قصب بینی استخوان آن است)

(۳) الوتين: عرق مستبطن ابيض غليظ كانه قصبه يتعلق بالقلب يسقي كل عرق في

الانسان (وتین رگی پنهان شده و سفید و سفت مانند قصب است که به قلب

آویزان بوده و همه رگهای در انسان را آب میرساند)

نتیجه گیری:

آنچه از مجموع این لغات نتیجه می‌شود اینست که صفتی که بین تمام این معانی

«قصب» مشترک است یکی باریک و دراز بودن آنست و دوم تو خالی بودن آن که «وجه شبه»

بین تمام این معانی با معنی اصلی قصب (یعنی نیشکر)، همین دو معنی است یعنی دراز بودن

و تو خالی بودن. لذا وجه تسمیه‌ی هر شیء به «قصب» نیز باید همین وجه شبه باشد.

نکته چهارم: اضافه‌ی قصب به ملازم اضافه‌ی ملکیت است لذا ملازم دارای قصب

هستند. و منظور از ملازم هم که گفته شد همان محاجم است. بنابراین آن وسیله ای برای

کشیدن خون، مورد تایید و مستعمل معصومین علیهم‌السلام است که دارای «قصب» باشد یعنی باید

قسمتی از آن دراز و باریک و تو خالی باشد. و اما از آنجا که اصل معنای محجم، «الآلة التي

يجتمع فيه دم الحجامه» است لذا ناگزیر از این نیست که دارای قسمتی وسیع و بزرگ و جادار

باشد تا به هنگام مکش بعد از تیغ، خون در آن ریخته شود.

بنابراین محاجم مورد استعمال معصومین دو ویژگی جدی دارد:

۱- قسمتی وسیع، بزرگ و جادار برای اجتماع خون

۲- لوله ای دراز و باریک و تو خالی که سرش محکم و سفت بسته می شود زیرا در روایت گفته «اشدد» (سفت ببند).

باتوجه به این دو ویژگی و باتوجه به عبارت کتاب لسان العرب در تبیین محجمه به «قارورته» و همچنین با اشراف به اینکه قاروره دقیقا این دو ویژگی را داراست لذا با قطعیت تمام میگوییم که معصومین علیهم السلام از قاروره ای مخصوص، برای انجام حجامت استفاده می کردند. پس ایشان برای حجامت از «لیوان مخصوص حجامت» استفاده میکردند نه از «شاخ گاو». چه اینکه در بخش اول نیز گفتیم برای استفاده ایشان از شاخ گاو هیچ شاهی نه از روایات و نه از کتب لغت موجود نیست الا یک مورد که آنهم تفسیرش در بخش اول گذشت که به هیچ وجه صلاحیت اثبات استعمال معصومین از شاخ گاو را ندارد.

نکته پنجم: از آنجا که در ابتدای این روایت که ذکر نشد، امام علیه السلام در روز پنج شنبه حجامت نمودند و دلیل آن را تجمع خون در موضع حجامت در پنج شنبه اعلام کردند و بلافاصله پس از این استدلال فرمودند که: مکش را شل قرار بده، فهمیده می شود که این سستی و شل گرفتن مکش، مخصوص پنج شنبه است. (و اجعل مصک رخیا) اما آیا «سست گرفتن مکش» مختص امام علیه السلام معصوم است یا برای همه گان در پنج شنبه باید اینطور حجامت نمود؟ پاسخ آنست که چون دلیل رخوت و سستی در مکش در پنج شنبه، که تجمع خون در موضع حجامت در پنج شنبه ها باشد، همه انسان ها و بدنها را شامل می شود بنابراین سست گرفتن مکش برای معصومین به طریق اولویت است و این قاعده ای عمومی برای همه بدنهاست لکن چنانچه پیشتر گفتیم چون اقتضای مزاج معتدل معصومین، استعداد در ابتلای به تبیغ خون است پس دستور به «رخوت در مص»، برای شخص امام علیه السلام، به طریق اولویت است.

احتمال دیگر آنست که دستور به «رخوت در مص» مطلق باشد و مختص پنج شبه نباشد که تنها دلیل این حرف قرینه ایست که از عبارات رساله ذهبیه فهمیده می شود و آنهم تنها میتواند رخوت در مکش را در لحظه ی اول قرار دادن لیوانها ثابت کند که جلوتر در ذیل عبارات رساله عرض خواهیم کرد. و از آنجا که در رساله، امام علیه السلام علت تخفیف در مکش را، تخفیف در «الم» آن میداند و علامه مجلسی هم در شرح «و اجعل مصک رخیا» فرمودنده: «أی مصّ بالتأنی بدون شده و إسراع» (یعنی مکیدن با آرامی بدون شدت و سرعت) که مقتضای آن، علیت «تخفیف الالم» برای «رخوت مص» است، لذا میتوان گفت که دستور امام علیه السلام به رخوت در مص دستور عمومی است و نسبت به همه حجامتها باید چنین کرد.

نکته ششم: در ادامه امام علیه السلام می فرمایند: تیغ زدن را خزیدن قرار بده. یعنی تیغ زدن تو فرقی با خزیدن یک موجود خزنده بر پوست نداشته باشد الا اینکه آنچه در اینجا می خزد، تیغ است نه آن موجود. وگرنه فعل «تیغ زدن» و «خزیدن» باید عین هم باشد. بنابراین حجامتگر باید در حین تیغ زدن تصور کند که تیغ درون دستش، موجودی خزنده است که با اراده ی او روی پوست میخزد. لذا تیغ باید دو ویژگی مهم داشته باشد: ۱- به آرامی یعنی با سرعت کم کشیده شود ۲- محل تماس تیغ با سطح پوست وسیع باشد. زیرا مقتضای «خزیدن» اینست. چون خزیدن موجودات خزنده با یک قسمت کوچکی از بدنشان ممکن نیست و اصلا به آن خزیدن گفته نمی شود چه اینکه آنچه در موجودات خزنده مشهود است نیز، «وسعت سطح تماس بدن» آنها با مکان خزیدن است. بنابراین بهترین تیغ برای انجام حجامت تیغ های شماره ۱۰ و ۲۱ است زیرا این تیغ ها شکم دارند و در حین بریدن به منزله ی خزیدن قرار داده می شوند. تیغ ۱۰ برای کسانی که دستشان پر قدرت است و تیغ ۲۱ برای کسانی که دستشان کم قدرت است.

۲- امام صادق علیه السلام از پدرشان امام باقر علیه السلام نقل فرمودند که فرمودند:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ احْتَجَمَ وَسَطَ رَأْسِهِ حَجَمَهُ أَبُو طَيْبَةَ بِمِحْجَمَةٍ
مِنْ صُفْرِ^۱»

«همانا رسول خدا ﷺ میان سرش را حجامت نمود که ابوطیبه او را با
لیوانی از جنس مس حجامت کرد»

۳- شخصی از امیرالمومنین علیه السلام درباره علقه که در قرآن آمده و مرحله اول تشکیل
جنین است سوال کرد:

«هِيَ عَلَقَةٌ كَعَلَقَةِ الدَّمِ الْمِحْجَمَةِ الْجَامِدَةِ^۲»

«آن لخته ایست مانند لخته ی خونِ لیوان حجامت که منجمد است»

شرح عبارت:

منظور از خون لیوان حجامت، خونی است که با لیوان حجامت کشیده می شود. که
منجمد و سفت و مانند ژله و چسبنده است.

^۱ قرب الاسناد، ص ۵۳

^۲ کافی، ج ۷، ص ۳۴۵

۴- امام باقر علیه السلام به یکی از اصحابشان فرمودند:

«إِذَا أَرَدْتَ الْحِجَامَةَ فَخَرَجَ الدَّمُّ مِنْ مَحَاجِمِكَ فَقُلْ قَبْلَ أَنْ تَفْرُغَ وَ قُلْ وَ الدَّمُّ يَسِيلُ بِسَمِّ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِّ وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي حِجَامَتِي هَذِهِ»

«هرگاه حجامت را اراده کردی و خون از جایگاه های حجامت خارج شد پس قبل از اینکه فارغ شوی در حالی که خون بیرون می ریزد بگو: به نام خدای همه بخش بخشاینده از آسیب چشم در خون (یعنی چشم زخم) و از هر بدی حجاتم الان، به خدای کریم پناه می برم»

۵- توضیحات مفصل امام رضا علیه السلام در رساله‌ی ذهبیه:

«أَنَّ الْحِجَامَةَ إِنَّمَا تَأْخُذُ دَمَهَا مِنْ صِغَارِ الْعُرُوقِ الْمَبْتُوثَةِ فِي اللَّحْمِ... وَ الَّذِي يُخَفَّفُ مِنَ أَلَمِ الْحِجَامَةِ تَخْفِيفُ الْمَصِّ عِنْدَ أَوَّلِ مَا يَضَعُ الْمَحَاجِمَ ثُمَّ يَدْرَجُ الْمَصَّ قَلِيلًا قَلِيلًا وَ التَّوَانِي أَزِيدُ فِي الْمَصِّ مِنَ الْأَوَائِلِ وَ كَذَلِكَ التَّوَالِثُ فَصَاعِدًا وَ يَتَوَقَّفُ عَنِ الشَّرْطِ حَتَّى يَحْمَرَ الْمَوْضِعُ جَيِّدًا بِتَكَرُّرِ الْمَحَاجِمِ عَلَيْهِ وَ يُلَيِّنُ الْمَشْرَاطَ عَلَى جُلُودِ لَيِّنَةٍ وَ يَمْسَحُ الْمَوْضِعَ قَبْلَ شَرْطِهِ بِالذُّهْنِ... وَ يُلَيِّنُ الْمَشْرَاطَ وَ الْمِبْضَعُ بِالذُّهْنِ عِنْدَ الْحِجَامَةِ»^۱

«همانا حجامت، خونس فقط از رگهای ریزِ قرار گرفته در درون گوشت، گرفته می شود... و آنچه که از درد حجامت کم می کند، سبک

^۱ رساله ذهبیه، ص ۵۴

گرفتن مکش در لحظه اولی است که لیوانها را می‌گذاری. سپس مکش، کم کم درجه بندی شود در حالی که درجه های دوم (لیوانها) از درجه های اول در مکش بیشتر است و درجه های سوم و همینطور بالا رود. و از تیغ زدن دست نگه داشته شود تا اینکه موضع با تکرار لیوانها بر آن، خوب سرخ شده باشد و برای پوستهای نرم، تیغ نرم باشد و موضع، قبل از تیغ زدنش با روغن مالیده شود... و هنگام حجامت، تیغ و ابزار بریدن با روغن نرم شود»

شرح عبارت:

باتوجه به متن روایت نکات زیر برداشت می‌شود:

نکته اول: باتوجه به اینکه گفته شده در حجامت خون از مویرگها گرفته می‌شود و اصل معنای حجامت «خون کشیدن» است لذا مطلق کشیدن خون که از بافتهای مویرگی بدن باشد را میتوان به عنوان انواع حجامت در طب اسلامی به کار برد. بنابراین حجامتهای موضعی مورد تایید طب اسلامی است لکن حتی الامکان در غیر از مواضعی که در روایات گفته شده حجامت انجام نمی‌دهیم زیرا همانهایی که آمده کفایت می‌کند. اما در مواقع مورد نیاز می‌شود در هر موضعی از بدن با رعایت شرایط احتیاط حجامت کرد و عمل کشیدن خون را انجام داد. که اتفاقاً علت اینکه جراحی باعث درمان می‌شود اینست که نصف کار جراحی همان مصداق حجامت و کشیدن خون است. چه اینکه در جراحی از یک لوله‌ی باریک مکنده ای نیز استفاده می‌کنند که دائماً خون موضع را در حین جراحی میمکد و همین شاید در درمان

بیماری آن عضو کفایت کند که با معنای «خون کشیدن» در ترجمه حجامت، مناسب تر است.

نکته دوم: حجامتگر باید تا جای امکان سعی کند تا شخص حجامت شونده درد نکشد زیرا غایت اصلی در توضیح مراحل حجامت «تخفیف الالم» است که در ابتدای روایت ذکر شد. لذا باید با ملایمت کامل، تمام مراحل حجامت را انجام دهد.

نکته سوم: واژه محاجم در این روایت به صورت جمع آمده و در آن سه احتمال می‌رود:

۱- در هر یک حجامت حداقل از سه لیوان جداگانه باید استفاده شود.

۲- منظور عبارت، لیوانهای حجامتهاست که چون متکلم در مقام بیان توضیح همه‌ی انواع حجامت است لذا در هنگام تکلم لفظ «محاجم»، معنای «حجامتها» را به عنوان مضاف الیه آن در ذهن اراده می‌کند و برای همین آن را به شکل جمع به کار می‌برد تا با آن مطابقت کند.

۳- منظور عبارت، لیوانی است که در یک حجامت، به دفعات مختلف گذاشته می‌شود. نظر ما احتمال سوم است لکن احتمال دوم هم در خیلی از روایاتی که به کار رفته صحیح است. اما در این روایت، با در نظر گرفتن هر دو احتمال، معنای عبارت صحیح در می‌آید.

آن چیزهایی که احتمال سوم را تقویت می‌کند:

۱) کلمه «الاول» که جمع «اول ما یضع المحاجم» است که در ابتدای روایت آمده و همین، خود قرینه‌ی لفظی و مطابق با قاعده‌ی «عدم التقدير اولی من التقدير» است. پس «الاول» صفت «محاجم» نیست بلکه مضاف برای عبارتِ مقدر «ما یضع المحاجم» است که به صورت «الاول من ما یضع المحاجم» تأویل می‌شود زیرا که حرف ربط بین مضاف و مضاف الیه یا «من» یا «لام ملکیت» و یا «فی» است که در اینجا «من» همان حرف ربط مد نظر است. بنابراین صلاحیت قرینگی معنوی عبارت «الاول» برای اثبات اینکه سبب تعدد در «محاجم»، تعداد آنهاست، از بین می‌رود. و اما منظور از «ما یضع»، «لحظه‌ی» اول گذاشتن لیوان است. زیرا «عند» ظرف زمان بوده و ثابت می‌کند که هر لیوان دارای چند لحظه است به طوری که در لحظه اول باید مکش کم باشد و معنای «عند اول ما یضع المحاجم» یعنی «لحظه اولی که لیوانها گذاشته می‌شوند». که در ادامه روایت مشخص می‌شود که منظور از لحظه همان «درجه» است زیرا که هر لیوان چند درجه دارد. بنابراین اینکه گفته شده «الثوانی ازید فی المص من الاول» منظور «درجات الثوانی» و «درجات الاول» است که در هر یک لیوان درجاتی وجود دارد و چنانچه مکش به انتهای درجات لیوان برسد باید آن را برداشت و مجدداً گذاشت و کار قبلی را تکرار کرد که همین وضع مجدد لیوان، همان سبب تعدد در جمع است.

۲) عبارت «تکریر المحاجم»: زیرا که تکرار یعنی آنکه یک عملی را مجدداً انجام دهیم که در اینجا منظور «تکریر وضع المحاجم» است. و همین ثابت می‌کند که سبب جمع (که تعدد است) در اینجا همان «تکرار دفعات وضع» است. پس چند لیوان نداریم بلکه یک لیوان است که چند دفعه گذاشته می‌شود.

۳) ضمیر مفرد در «علیه» به «الموضع» بر می‌گردد و نشان می‌دهد که مراد متکلم یک موضع است پس چند موضع نداریم بلکه یک موضع است که بر روی آن چند بار لیوان، با

مکش های درجه ای گذاشته می شود تا اینکه سرخ شود. لذا چیزی به عنوان مواضع المحاجم وجود ندارد پس بادکش لغزان و بادکش در چند موضع به کل منتفی است. چه اینکه بادکش، با معنای «مص الدم» و «خون کشیدن» که دقیق ترین ترجمه حجامت است نیز مخالفت می کند.

۴) معانی لغات که در بخش اول گذشت. که در ترجمه «مَحْجَم» آمده:

ابزاری که موقع مکش، خون حجامت در آن جمع می شود. پس هیچ مَحْجَمی نیست جز اینکه خون در آن جمع می شود و حال اینکه خون گیری بدون تیغ زدن ممکن نیست و موضع تیغ زدن هم یک موضع است لذا «مَحْجَم» نیز در هر حجامت تنها یک عدد است لکن به سبب تعدد دفعات وضع، به شکل جمع استعمال می شود.

نکته چهارم: برای درجه بندی هر لیوان در مکش مربوط به آن، بایستی حجامتگر به هنگام کشیدن خوب دقت کند تا وقتی لیوان را گذاشت، ابتدا نیروی کمی با دهان خود ایجاد کند تا مکش اول بسیار کم باشد و سپس پس از گذر چند دقیقه مکش دوم را با نیروی بیشتری از قبل ایجاد کند و باز چند دقیقه صبر کند و سپس برای بیشتر بودن مکش سوم، نیروی بیشتری از مکش دوم را با دهان خود ایجاد کند. و همینطور هر مکش با نیروی بیشتری از مکش قبل ایجاد شود. که امروزه با دستگاه های ساکشن میتوان به آسانی این مکشها را درجه بندی کرد. که در واقع خود لیوان درجه بندی می شود.

نکته پنجم: چنانچه مکش های درجه ای لیوان اول به اتمام رسید باید لیوان را برداریم و دوباره بگذاریم و مجدداً مانند قبل همان کار را تکرار کنیم و باز لیوان را برداشته و دوباره بگذاریم. چرا که حداقل مقتضای معنای جمع، سه مرتبه است. اما چنانچه با سه مرتبه «لیوان

برداشتن و گذاشتن» به شیوه‌ی مذکور، همراه درجه درجه کردن مکش، موضع حجamt خوب سرخ نشد، باید مجدداً این عمل برداشتن و گذاشتن لیوان و درجه بندی مکشهایش را آنقدر تکرار کنیم تا موضع حسابی سرخ شود.

نکته هشتم: در هنگام تیغ زدن باید دقت کرد که پوست حجamt شونده نرم است یا زبر. اگر نرم باشد باید حتماً تیغ به نرمی کشیده شود. علامه مجلسی در توضیح این عبارت می‌فرماید: «علی جلود لینه‌ی ای بمسحه علیها» (ترجمه: عبارت بر پوستهای نرم یعنی به سبب مسح تیغ بر آنها) یعنی تیغ به سبب مسح بر پوستهای نرم، نرم کشیده می‌شود. فعل «مَسَح» یعنی صرف «برخورد» همراه با «کشیدن» و تفسیر عبارت «یلین المشراط علی جلود لینه» یعنی «ی‌مسح المشراط» چرا که وقتی تیغ، که «تیزی» و «بریدن» از صفات ذاتی آنست را خیلی نرم و آرام روی پوست بکشی و مانند مسح کشیدن دست بر پوست، قرارش بدهی گویا که او را نرم کردی برای همین می‌گوید «یلین المشراط». بنابراین برای پوستهای نرم باید تیغ را به نرمی کشید و نباید عمقی باشد بلکه اقتضای «مسح»، سطحی زدن تیغ است.

نکته هفتم: همین عبارت پیشین نشان می‌دهد که اصل تیغ زدن بر اینست که اندکی عمیق باشد زیرا عبارت «تیغ بر پوستهای نرم، نرم کشیده شود» یک تذکر است که امام علیه السلام دارند بیان می‌کنند. چرا که جمله‌ی قبل از آن هم تذکر است به اینصورت که وقتی امام علیه السلام مراحل مکش را کاملاً بیان کردند قبل از ذکر ادامه‌ی جملاتشان، در ذهن مخاطب این فرض به وجود می‌آید که حالا پس از اتمام مکش، باید تیغ زد. لکن امام علیه السلام برای اینکه متوجه بشویم که هنوز یک نکته باقی مانده، می‌گوید: و از تیغ زدن دست نگه دار تا اینکه موضع خوب سرخ شود. پس ادعای اینکه امام علیه السلام، جمله بعدی را هم به شکل تذکر بیان نمودند با این جمله سازگارتر است. و تذکر هم، خبر از وجود یک حالت رایج و عادی می‌دهد. بنابراین حالت عادی و اصلی در تیغ زدن، عمیق زدن آن است مگر اینکه پوست نرم باشد. و

این ادعا با حکمت خروج خون حجامت از مویرگها نیز که در ابتدای روایت آماده، و نیز با لخته بودن و جامد بودن خون حجامت که در روایت امیرالمومنین علیه السلام ذکر شد، سازگارتر است.

نکته هشتم: زمان روغن مالی موضع بلافاصله پس از مکش آخر و قبل از تیغ زدن است. و البته نباید فشار داده شود بلکه باید مصداق «مسح» باشد یعنی صرف تماس روغن با پوست همراه با مالش اندک.

نکته نهم: خود تیغ هم بایستی به سبب روغن نرم شود. منظور از نرم شدن در اینجا اینست که چون با روغن مالی شدن تیغ، اثر درد و سوزش آن کم می شود لذا مانند اینست که تیغ آرام و نرم شده. برای همین از واژه ی «یُلِّین» استفاده شده است. دقت شود در روایت دوجا از واژه «یلین» استفاده شده یکی برای توصیف تیغ وقتی در برابر پوستهای نرم قرار می گیرد و دوم برای توصیف شرایط خود تیغ قبل از بریدن. و البته باید دقت کرد که متعلق «یُلِّین» در عبارت دوم، «بالدهن» است و لذا همین معنایی که عرض شد مراد است اما در عبارت پیشین، متعلق «یُلِّین» عبارت «علی جلود لیته» است که به قرینه ی معنوی، منظور از نرم شدن تیغ در آنجا، یعنی آرام و سطحی کشیدن آن. زیرا که «علی» بیانگر حالت و صفت «تَلِّین» است نه سبب آن؛ برعکس «باء».

۶- روایتی از امیرالمومنین علیه السلام که درباره پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«طَیِّبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ... أَحْمَى مَوَاسِمَهُ»^۱

«پزشکی است که پزشکی اش دوره گرد (بیماران) است... و ابزار خود را داغ کرده است»

شرح عبارت:

منظور از داغ کردن همان ضد عفونی کردن است بنابراین بهترین حالت اینست که حجامتگر قبل از تیغ زدن، تیغ خود را با آتش داغ کند تا ضد عفونی شود البته اگر لیوان حجامت هم قابل داغ کردن بود باید با آتش داغ شود.

جمع بندی و نتیجه گیری:

باتوجه به مجموع آنچه گفته شد و ملازمات تجربی موارد مذکور در روایات، ابزار مورد نیاز حجامت عبارت است از:

^۱ الخصال، ص ۳۹۰

(۱) لیوان‌های شیشه ای یا فلزی مانند مس یا برنج یا هر فلزی غیر از آهن که دارای لوله ای باریک و دراز در انتهای خود و دارای قسمتی بزرگ و وسیع و جادار در محل تماس با پوست هستند و سرشان با چوب پنبه طبیعی یا چیزی مانند آن بسته می‌شود. یعنی همان قاروره که لیوان‌های امروزی حجامت دقیقاً تمام این ویژگی‌ها را دارد جز اینکه از جنس شیشه یا فلز نیست. و در بین لیوان‌های موجود بزرگترین نوع آن پیشنهاد می‌شود.

(۲) تیغ‌های بزرگ شکم دار (تیغ ۱۰ برای افرادی که دستشان پر زور است و تیغ ۲۱ برای کسانی که دستانشان کم زور است)

(۳) روغن زیتون برای روغن مالی تیغ و موضع قبل و بعد از تیغ زدن در همه فصول و روغن خیری برای زمستان و روغن بنفشه برای تابستان فقط پس از تیغ زدن و اتمام خونگیری.

(۴) تیغ اصلاح برای تراشیدن موهای موضع حجامت

(۵) وسیله ای برای مکیدن که بتوان مکش‌ها را درجه بندی کرد که همین دستگاه ساکشن دستی برای انجام این کار بسیار مناسب است نهایتاً با دهان مکش‌ها را انجام دهد.

(۶) پارچه ابریشمی یا پشمی یا پنبه طبیعی بسیار نرم برای پانسمان

(۷) مقداری آب در یک ظرف کوچک برای شستشوی موضع حجامت پس از خونگیری آخر و روغن مالی. که باید دمای آب با دمای اتاق یکسان باشد یعنی نه سرد باشد نه گرم اما برای افراد مستعد تبیغ و هیجان خون آب باید سرد باشد.

(۸) فندک یا کبریت برای داغ کردن تیغ

(۹) کاسه ای بزرگ برای ریختن خون (از ملازمات تجربی)

(۱۰) دستمال یا گاز یا پارچه ای برای اینکه پس از هر خونگیری موضع حجامت را خوب از لخته‌های خون پاک کنیم که خون بعدی به راحتی خارج شود.

(۱۱) چسب برای پانسمان موضع

(۱۲) مقداری غسل برای اینکه ممکن است در حین حجامت شخص دچار ضعف شود و همچنین اگر پوست شخص خیلی نازک و ضعیف بود از غسل برای ترمیم زودتر موضع آن استفاده شود.

(۱۳) دعای قبل و دعای حین حجامت و آیت الکرسی

(۱۴) سفره یکبار مصرف برای پیشگیری از نجاست مکان حجامت شدن

(۱۵) کیسه فریزر برای اینکه بتوان از یک کاسه چندبار استفاده کرد بدون اینکه نجس شود.

(۱۶) کیسه یا کیفی که بتوان این ابزار را در آن جا داد و نقل و انتقالش آسان باشد

نحوه انجام حجamt اسلامی

باتوجه به روایات مذکور و شروح گفته شده، نحوه انجام حجamt اسلامی بدین شکل است :

- (۱) ابتدا شخص را رو به قبله و چهارزانو می‌کنید.
- (۲) سپس موضع حجamt را با تیغ اصلاح می‌تراشید. برای حجamt میچ پا و حجamt سر و زیرچانه لزومی به تراشیدن آن نیست.
- (۳) برای حجamt سر یا موضعی که مکششان سخت است بایستی دورتادور دهانه لیوان را به غسل آغشته کرد و سپس خوب به موضع چسباند تا مکش ممکن باشد. بهتر است غسل در یخچال بوده تا سفت شده باشد و در حین حجamt حرکت نکند.
- (۴) لیوان اول را گذاشته و خیلی آرام با کمترین شدت و سرعت ممکن بکشد. یعنی یکبار ساکشن کند.
- (۵) پس از گذر حدود سه الی پنج دقیقه مکش دوم را انجام دهد. دقت کند که نباید قبل از مکش دوم لیوان را بردارد یا مکشش را خالی کند. مکش دوم باید میزان کشیدنش بیشتر باشد که با دستگاه های امروزی یعنی دو بار ساکشن کردن. یعنی فعل مکش دوم باید از فعل مکش اول بیشتر باشد نه اینکه صرفاً مجموع مکش لیوان در مرحله دوم بیشتر باشد.
- (۶) پس از گذشت حدود سه الی پنج دقیقه مجدداً مکش سوم را هم به همین شکل بیشتر از مکش دوم بکشد. با دستگاه های امروزی یعنی سه بار ساکشن کردن.
- (۷) این عمل را به همین شکل تکرار کند تا لیوان به انتهای مکش خود برسد.

- (۸)** سپس لیوان را بردارد و پس از گذشت حدود ۱۰ ثانیه (که خونهای رقیق در این فاصله بر می‌گردد) مجدداً لیوان را گذاشته و یکبار ساکشن کند.
- (۹)** سپس مانند سابق مکش‌ها را درجه به درجه با فاصله زمانی سه الی پنج دقیقه بیشتر کند تا مکش این لیوان هم به انتها برسد. (برای افراد داری غلظت خون باید این فاصله زمانی بیشتر باشد)
- (۱۰)** باز بایستی مجدداً لیوان را بردارد و دوباره بگذارد و همه مراحل قبلی را تکرار کند.
- (۱۱)** سپس لیوان بار سوم را هم برداشته و به موضع نگاه کند اگر خوب سرخ شده بود دیگر نیازی به مکش نیست اما اگر خوب سرخ نشده بود مجدداً یک یا چندبار دیگر لیوان گذاشته و همه مراحل قبلی را تکرار کند.
- (۱۲)** در حین مکش تیغ خود را داغ کرده و سپس به روغن آغشته کرده باشد (البته تیغ از قبل شسته شود حتی تیغ‌های استریل)
- (۱۳)** پس از خوب سرخ شدن موضع بلافاصله و خیلی سریع موضع را روغنی کند و در اسرع وقت شروع به تیغ زدن کند.
- (۱۴)** بایستی تیغ‌ها را بلند و با قسمت شکم تیغ و با سرعت کم به سمت پایین بکشد مانند خزیدن کرم یا مار روی پوست بدن. گویا که تیغ درون دستانش موجودی خزننده است که دارد با اراده‌ی او می‌خزد.
- (۱۵)** از آنجا که در روایت گفته شده اگر در چیزی شفا باشد در تیغ حجام است لذا بهتر است تیغ‌ها با فاصله کم و با تعداد زیاد زده شود اما اگر شخص حجامت شونده دچار ضعف یا درد شدید می‌شود به همان اندازه از تعداد تیغ و شدت آن کم کند و بر سرعت آن بیفزاید.
- (۱۶)** اگر پوست شخص خیلی نرم و نازک است باید شدت و عمق تیغ را کم کند طوری که گویا دارد با دستش پوست را مسح می‌کند پیشنهاد می‌شود برای چنین افرادی از تیغ ۱۰ استفاده شود.

- (۱۷) پس از تیغ زدن به بیمار دستور دهد تا دعای حین حجامت را بخواند.
- (۱۸) پس از تیغ زدن نیازی نیست تا صبر کند که دعا خواندن بیمار تمام شود بلکه او کار خودش را بکند و بیمار هم دعایش را بخواند.
- (۱۹) مکش های پس از تیغ زدن نباید درجه ای باشد بلکه باید با همان آخرین حد مکش، خون هارا کشید زیرا که با معنای «مص الدم» که تفسیر امیرالمومنین از معنای حجامت است سازگارتر بوده و همچنین مکش های درجه ای پس از تیغ زدن موجب می شود تا خون های سالم بیشتری بیرون بریزد در حالی که هدف خروج خونهای آلوده است.
- (۲۰) هرگاه لیوان به مقدار قابل توجهی از خون پر شد بایستی آن را خالی کرد و مجدداً با آخرین حد مکش لیوان گذاشت و خون گرفت.
- (۲۱) خونگیری تا جایی ادامه داده شود که رنگ و غلظت خون تغییر کرده و خون رقیق یا سرخ بیرون بیاید.
- (۲۲) پس از اتمام خون گیری، موضع را خوب با همان گاز یا دستمال یا پنبه از خونهای خشک و لخته شده پاک کند و سپس برای حدود یک الی دو دقیقه با روغنهای مذکور ماساژ دهد.
- (۲۳) پس از ماساژ، کاسه را زیر موضع حجامت گذاشته و آن را از بالا آب بکشد تا هیچ اثری از خون در بدن نماند (البته دقت شود که از محل های بریدگی تا حدود ۲۴ ساعت خون تازه می آید که ما کاری به آن نداریم)
- (۲۴) سپس پارچه ابریشمی یا پشمی یا پنبه طبیعی یا هر دستمال نرمی که از قبل آماده کرده بود را روی موضع گذاشته و با چسب پانسمان کند (اگر پوست شخص نازک و ضعیف بود بهتر است عسل گذاشته شود و سپس پانسمان شود)
- (۲۵) اگر در حین حجامت شخص ضعف کرد یا بالا آورد آن را پهلوی به راست کند و پاهایش را به درون شکم جمع کند و بهتر است سکنجبین عنصلی با آب جوش به او بدهد و اگر نبود عسل یا آب جوش عسل بدهد و اگر حالش زود بهبودی یافت خونگیری را در همان

حالت درازکش ادامه دهد و اگر میتواندست دوباره چهار زانو بنشیند در حالت چهار زانو ادامه دهد و اگر به هیچ وجه ادامه‌ی خونگیری ممکن نبود همانجا پاکسازی و روغن مالی کند و شستشو دهد و حجامت را تمام کند.

(۲۶) برای حجامت ساقین و مچ پا، شخص ایستاده باشد و اگر خسته می‌شود روی صندلی بنشیند ولی برای حجامت کف پا در حین خونگیری روی صندلی بنشیند.

(۲۷) از آنجا که حجامت ساقین غش و ضعف می‌آورد لذا حجام باید حتما یک صندلی در پشت حجامت شونده قرار دهد تا به هنگام ضعف، شخص روی آن بنشیند و اگر با نشستن ضعفش برطرف نشد باید از قبل یک یا دو صندلی دیگر هم در پهلو راست حجامت شونده قرار داده باشد تا روی آن به پهلو دراز بکشد. که بهترین حالت استفاده از تخت بیمارستانی است.

(۲۸) برای حجامت سر اگر موها تراشیده شود بهتر است ولی ظاهرا پیامبر ﷺ موها را در حجامت نمی‌تراشیدند. بدین ترتیب باید قبل از بادکش موها را با روغن چرب کرده و کنار زد و تا به اندازه یک دایره، دور تا دور موضع حجامت، خالی شود و سپس موهای موضع (درون دایره) را با عسل لایه لایه کرده تا برای تیغ زدن، بینشان خالی شود و همچنین دور تا دور لیوان را به عسل آغشته کند تا مکش راحت انجام شود.

به خاطر مفصل بودن مباحث حجامت، مجموع آنچه در چهاربخش گفته شد را به صورت خلاصه ارائه می‌دهیم تا همه شما برای انجام حجامت به آن مطلب رجوع کرده و آن را به حجامتگر خود نشان دهید تا برایتان به شیوه اسلامی و دستور معصومین علیهم‌السلام حجامت انجام دهد و از حجامت به شیوه‌های دیگر به شدت پرهیزید.

الگوی حجamt اسلامی برای حجamtگران

تمام آنچه که در این الگو ارائه می‌کنیم بر اساس ادله ای است که قبلاً حجamt به طور مفصل عرض کردیم. عزیزی که می‌خواهند حجamt اسلامی انجام دهند این متن را به حجamtگر خود نشان داده و بگویند که حتماً آنها را اینطور که اینجا گفته می‌شود حجamt کنند.

اوقات حجamt

(۱) حجamt نباید غیر از ۱۲ تا ۱۵ ماه قمری باشد مگر کسانی که دچار غلبه دم به نحوی باشند که نمی‌توانند تا ۱۲ ماه بعدی صبر کنند که تشخیص این به عهده طبیب اسلامی است.

(۲) حجamt در سه شنبه و جمعه ممنوع است و خطر شدید مرگ برای آن گوشزد شده است.

(۳) بهترین اوقات هفته برای حجamt به ترتیب عبارتند از:

صبح تا ظهر	پنج‌شنبه	۱
عصر	دوشنبه	۲
ظهر تا شب	پنج‌شنبه	۳
صبح تا ظهر	دوشنبه	۴
	یکشنبه	۵
عصر به نیت مخالفت با پیشگوها	چهارشنبه	۶
صبح تا ظهر با همان نیت	چهارشنبه	۷
برای کسانی که کم خون یا ضعیف نیستند.	شنبه	۸

۴) در دوم و هفتم و نوزدهم هر ماه شمسی بهتر است از حجامت پرهیز شود.

تمام ایامی که ذکر شد از شب قبل از آن روز یعنی از اذان مغرب روز قبل شروع می‌شود و تا اذان مغرب همان روز ادامه دارد. مثلاً ۲۲ آذر یعنی از اذان مغرب روز ۲۱ آذر تا اذان مغرب روز ۲۲ آذر و سه‌شنبه یعنی از اذان مغرب روز دوشنبه تا اذان مغرب فردا. و همین‌طور باقی ایام هفته و اوقات قمری.

اگر خون بر شخص هیجان کرد به حدی که شخص خوف ضرر جدی داشت نباید خیلی صبر کند بلکه اگر می‌تواند تا اولین وقت «صحیح» صبر کند و اگر بازهم نتوانست، در اولین وقت «ممکن» با آیت الکرسی حجامت کند ولی اگر خون بر او چیره شد و به حالت «تبغ» رسید اصلاً صبر نکند بلکه حتی اگر شده با تیغ تنها هم خون خود را بریزد.

آداب قبل حجامت

- (۱) به اندازه فاصله اذان صبح تا مغرب، قبل از حجامت از همبستری با همسر پرهیز شود
- (۲) حجامت در حال سیری باشد و از حجامت ناشتا پرهیز شود
- (۳) ابر بارانی در آسمان نباشد و باد تندی نوزد
- (۴) در ماه رمضان شبها پس از افطار حجامت شود مگر اینکه مطمئنید دچار ضعف یا استفراغ نمی شوید.
- (۵) شخص حجامت شونده چهارزانو بنشیند
- (۶) لیوان و تیغ حجامت شسته و خشک شده باشد
- (۷) خواندن آیت الکرسی و طلب خیر از خدا و صلوات بر پیامبر ﷺ و دعای قبل حجامت
- (۸) خوردن انار کامل شیرین
- (۹) افراد مستعد به غلبه دم و صفرا باهم، آخرین وعده غذایشان پیش از حجامت آش سرکه_ ماهی تازه باشد و حجامتشان را عصر انجام دهند
- (۱۰) حمام رفتن در روز حجامت، پیش از آن ممنوع است ولی در حد یک غسل مختصر با آب ولرم که داغ نباشد اشکال ندارد
- (۱۱) به اندازه یک روز کامل، از نوره زدن قبل از حجامت پرهیز شود
- (۱۲) صبح روز حجامت بر روی سر و بدن (ترجیحا موضع حجامت) آب داغ بریزید

ابزار حجامت برای حجامتگر

- (۱) لیوان بزرگ (ترجیحا شیشه ای یا فلزی غیر از آهن باشد). بزرگی لیوان باید متناسب با موضع حجامت باشد
- (۲) ابزار مخصوص تیغ و همچنین ۱۰ یا ۱۵ عدد تیغ شکم دار (شماره ۱۰ یا ۲۱)
- (۳) روغن زیتون برای همه فصلها. و اگر شد روغن خیری برای زمستان و روغن بنفشه برای تابستان
- (۴) تیغ اصلاح برای تراشیدن موهای موضع حجامت
- (۵) ساکشن برای مکیدن
- (۶) بطری کوچکی از آب با دمای اتاق
- (۷) فندک یا کبریت برای داغ کردن تیغ
- (۸) کاسه بزرگ برای ریختن خون
- (۹) پارچه ابریشمی یا پشمی یا پنبه طبیعی و اگر نبود همان پنبه های داروخانه ای
- (۱۰) عسلی که در یخچال سفت شده یا رس بسته باشد
- (۱۱) سفره یکبار مصرف
- (۱۲) کیسه فریزر
- (۱۳) دعای قبل و حین حجامت و آیت الکرسی که آماده داشته باشید
- (۱۴) کیسه یا کیفی برای جاسازی ابزار
- (۱۵) انار یا رب انار یا شکر سرخ و سکنجبین عسلی

شیوه انجام حجامت

(۱) موضع حجامت را با تیغ اصلاح بتراشید. دقت کنید همان پرزهای ریز که در موضع حجامت است هم بایستی کاملاً تراشیده شود (برای سر و زیرچانه نیاز به تراشیدن نیست)

(۲) مالیدن عسل دور تا دور لیوان برای جاهایی که مکششان سخت است

(۳) لیوان اول را بگذارید و یکبار با کمترین نیرو ساکشن کنید

(۴) پس از ۳ الی ۵ دقیقه مکش را خالی کرده و لیوان را بردارید و ۵ ثانیه مکث کنید.

سپس دوباره لیوان را بگذارید. این بار دوبار ساکشن کنید

(۵) مجدداً پس از ۳ الی ۵ دقیقه مکش را خالی کرده، لیوان را بردارید و پس از ۱۰ ثانیه

مکث، دوباره بگذارید. این بار سه بار ساکشن کنید

(۶) این کار یعنی گذاشتن و برداشتن و مکش های تدریجی را تا خوب سرخ شدن موضع

ادامه دهید اگر پوست تاول می زند نهایتاً ۵ مرتبه لیوان را بگذارید و بکشید (هر

درجه از مکش یک ساکشن بیشتر از درجه قبل باشد) و هر بار که لیوان را بر

می دارید مدت مکث کردنتان ۵ ثانیه بیشتر از مکشهای قبلی باشد تا به ۳۰ ثانیه

برسد. سپس پس از هر بار برداشتن لیوان فقط ۳۰ ثانیه مکث کنید و بیشتر مکث

نکنید. این مکشها مانع از تاول زدن می شود و هم خون رقیق که نباید خارج شود

کم تر بیرون می آید

(۷) اگر موضع خوب سرخ نشد، گذاشتن و برداشتن لیوان را با آخرین اندازه اش از

مکش، آنقدر تکرار کنید تا موضع خوب سرخ شود. در این حین تیغ را روغنی کنید

(مثلاً اگر آخرین لیوانتان در حد ۵ ساکشن هست و موضع هم سرخ نشده، باید

لیوان را بگذارید و ۵ بار ساکشن کنید و پس از ۳ الی ۵ دقیقه مجدداً بردارید و

دوباره بگذارید و باز همان ۵ بار بکشید و این کار را تا خوب سرخ شدن موضع ادامه دهید)

۸) بلافاصله پس از برداشتن آخرین لیوان، موضع را آغشته به روغن کنید و سریع شروع به تیغ زدن کنید

۹) تیغ ها را که در ابزار مخصوص (مِشراط) کنار هم نصب شده اند، بلند و اندکی عمیق با یک ردیف و با سرعت کم از بالا به پایین، آرام بکشید مانند خزیدن یک موجود خزنده روی پوست. به گونه ای که با شکم تیغ برش ایجاد شود. فاصله تیغ ها حتی الامکان کم و تعداد برشها حتی الامکان زیاد باشد

۱۰) اگر پوست شخص خیلی نرم و نازک بود عمق تیغها کم باشد به گونه ای که دارید با تیغ، نوازش می کنید. گویا که تیغ را نرم می کنید

۱۱) اگر شخص ضعیف می کند یا درد می کشد تیغ را سریع تر بکشید

۱۲) پس از تیغ زدن، در حین ریختن خون دعای حین حجامت را بدهید تا بخوانند

۱۳) مکش پس از تیغ با نهایت توان مکش باشد (در افرادی که مستعد تاول پوست هستند نهایتا ۵ بار ساکشن شود)

۱۴) پس از پرشدن قابل توجه لیوان از خون، آن را خالی کرده، خونها را با همان تکه پارچه یا گاز پاک کنید و مجددا لیوان بگذارید

۱۵) خونگیری باید تا تغییر رنگ یا تغییر غلظت خون ادامه پیدا کند

۱۶) پس از اتمام خونگیری، ابتدا موضع را خوب ولی آرام پاک کنید و سپس موضع را به روغن آغشته کنید و یا اینکه از ابتدا با پارچه نرم یا پنبه روغنی پاکش کنید

۱۷) سپس کاسه را زیر موضع گذاشته و موضع را از بالا آب بکشید و سپس خشک کنید

۱۸) پنبه یا پارچه ابریشمی یا پشمی را به غسل آغشته کرده و روی موضع بگذارید تا پانسمان شود

- (۱۹) برای حجامت ساقین یک صندلی در پشت شخص و یکی دوتا هم در کنارش بگذارید تا موقع ضعف بنشینند و یا به پهلو دراز بکشد
- (۲۰) برای حجامت سر موها را با روغن یا عسل کنار زده تا به اندازه‌ی جای لیوان خالی شود و نیز برای تیغ زدن موها را لایه لایه کرده تا بین هر لایه یک تیغ قرار بگیرد

آداب پس از حجامت

- (۱) حمام، خشم، همبستری، نوره و تحرک زیاد تا سه اذان بعد از حجامت ممنوع است
- (۲) پس از حجامت بر روی سر در تابستان ترکیب گلاب و مشک و در زمستان گلاب و کافور و روغن بنفشه ریخته شود
- (۳) یک عدد انار شیرین کامل بلافاصله پس از حجامت خورده شود (در غیرفصلش سه قاشق رب انار یا سه تکه شکر نیشکر خورده شود)
- (۴) افراد مبتلا به کسالت یا مردگی خون، پس از حجامت انار ترش را آب لمو کرده و بمکند
- (۵) افرادی که در حجامت ضعف می‌کنند یا خونشان آلوده است پس از حجامت سه تکه شکر نیشکر بخورند.
- (۶) افراد مبتلا یا مستعد به لقوه، بهق، پیسی و خوره در فصل سرما بلافاصله پس از حجامت، یک نخود از تریاک اکبر و پس از آن سکنجبین عنصلی عسلی بنوشند و در فصل گرما ابتدا سکنجبین عنصلی سپس تریاک اکبر را با شراب امام رضا علیه السلام

یا نوشاب میوه ها بنوشند و اگر یافت نشد، تریاک اکبر را در دهان بجوند و رویش چند جرعه آب فاتر بنوشند.

(۷) تا سه ساعت شرعی پس از حجامت، خوردن غذای نمک سود ممنوع است اما کم نمک اشکال ندارد.

(۸) افراد «مبتلا» به غلبه دم و صفرا باهم، پس از حجامت، به محض احساس بهبودی از غلبه دم، ماهی تازهی کباب شده بخورند.

(۹) افراد «مستعد» به غلبه دم و صفرا باهم، اولین وعده غذایشان پس از حجامت کباب ماهی تازه باشد و صبحش آتش سرکه با گوشت ماهی خورده باشند.

(۱۰) اولین وعده غذایی همه پس از حجامت گوشت پرندگان باشد و بلافاصله پس از آن شراب امام رضا علیه السلام بنوشند و در فصل گرما در کنار گوشت پرندگان آتش سرکه یا هلام یا مصوص به همراه یک چیز ترش نیز بخورند (هلام: گوشت گوساله‌ی پخته شده همراه سبزیجات که سرکه بعدا به آن اضافه می‌شود. مصوص: کباب گوشت کبک یا خروس که در سرکه خیسانده شده. مانند نمکین کردن بلال)